

ظہورِ انسان

تاریخ تمدن مللِ باستانی

ماہرِ مہجی - اجتماعی - اخلاقی

نگارش

حسن اللہ وریان طوسی

لیسانس و انشائیاتی

حق چاپ و تعلیم و اقتباس محفوظ

اسکین نشانی

ظهور انسان و تاریخ تمدن ملل اولیه

نگارش

حسن اللهوردیان طوسی

لیسانسیه دانشسرای عالی

حاوی مطالب

تاریخی - اجتماعی - اخلاقی - ورزشی - تربیتی - اقتصادی

ظهور انسان و موجودات زنده - عادات
اجتماعی و مراسم مذهبی جشنهای ملی و
مذهبی در بین ملل اولیه تاریخچه بردگی
وبازارهای برده - فروشی - ظهور هنر و ادبیات
باستانی - پیدایش تمدن های اولیه در نقاط
مختلف جهان زندگی اعیان - زندگی
رعایا و مستخدمین - تجارت برده .

فروردین ۱۳۳۱

چاپخانه زوار مشهد

فهرست مندرجات عنوان

بخش اول - ظهور انسان و پیدایش تمدنهای اولیه در نقاط مختلف جهان

- تاریخچه پیدایش موجودات زنده .
- پیدایش نژاد های انسانی .
- پیدایش تمدنهای اولیه در نقاط مختلف جهان .
- تمدن اولیه در هندوستان .
- تمدن اولیه در چین .
- تمدن اولیه در اروپا .
- تمدن اولیه در آفریقا و استرالیا .
- تمدن دریائی .
- تمدن اولیه یهود .
- ظهور تمدن در یونان .
- ظهور تمدن آریائی .

بخش دوم تمدن اولیه در مصر - عادات اجتماعی و مراسم مذهبی در مصر اولیه - دربار و قدرت فراعنه مصر .

- وضع جغرافیائی مصر و رود نیل .
- محصولات و حیوانات .
- خط و زبان مصریان اولیه .
- تقویم زمان و اعداد .
- رژیم قبیله‌ای در بین مصریان اولیه .
- سازمان آبیاری نیل .
- مراسم مذهبی قبیله - خدای قبیله .
- سازمانهای اجتماعی مصر در زمان فراعنه :
- قدرت فرعون یا اختیارات خداوند .
- معماری و حجاری .
- سازمان و مفهوم قبور فراعنه .
- طرز مومیائی اجساد و محافظت آنها .
- معابد و پرستش خدایان .

بخش سوم - تمدن اولیه در سوریه و فلسطین
 عادات اجتماعی و مراسم مذهبی و ظهور بردگی در بین
 سامیها و فنیقی ها .

وضع جغرافیائی سوریه و فلسطین .
 مشخصات

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی .
 تمدن فنیقی ها .

تجارت برده در بین فنیقی ها .

بخش چهارم - تمدن اولیه در بین النهرین و عراق عرب
 عادات اجتماعی و مراسم مذهبی سومریها

وضع جغرافیائی بین النهرین .
 مشخصات نژادی و ظهور خط .

تقریم زمان .

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی .

اصول خانوادگی و ازدواج .

بخش پنجم - تمدن اولیه در ایران باستان - ظهور نژاد

آریا عادات اجتماعی و مراسم مذهبی آریائیها .

وضع جغرافیائی ایران .

ظهور نژاد آریا .

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی آریائیها .

بخش ششم - تمدن اولیه در یونان باستان عادات اجتماعی

و مراسم مذهبی در یونان باستان .

وضع جغرافیائی یونان .

عادات اجتماعی در یونان باستان .

جشنهای المپاد و بازیهای ورزشی الپیک .

هنر و ادبیات باستانی یونان .

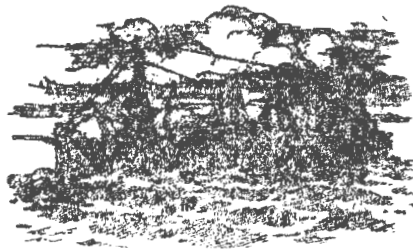
بخش هفتم - تمدن اولیه در روم باستان عادات اجتماعی

و مراسم مذهبی و تاریخچه بردگی در یونان و روم - بازارهای

فروش کنیز و غلام .

وضع جغرافیائی و اهمیت شهر روم .

عادات و وضع اجتماعی رومیهای اولیه .
 زندگی نجیب و اعیان در روم .
 زندگی خدمتگذاران تحت الحمایه و ارباب .
 تاریخچه بردگی در روم و یونان باستان .
 بهای بردگان .
 گلابیاتور ها ((کسانیکه با حیوانات می جنگیدند)) .
 مراسم مذهبی در روم باستان .
 سازمان لشگری و نظامی روم اولیه .
 شورا های مجلسی و مجالس عمومی و طرز انتخابات در
 روم اولیه .



بنام ایزد دانا و توانا

هفده

مطالعه تاریخ پیدایش انسان و تمدن مال و بشر اولیه و وجود تمدنهای باستانی در نقاط مختلف جهان برای هر فردی لازم و ضروری است زیرا بشر بواسطه داشتن حس کنجکاوی طبیعا مایل است بداند در ابتدا چگونه زندگی میکرد و با چه وسائلی و در کجا و بچه طریق ادامه حیات میداده است زیرا در اثر تحولات اجتماعی و از بین رفتن فئودالیته و حکومت ملوک الطوائفی و لغو بردگی و آزادی اجتماعی و ظهور رنسانس Renaissance و هومانیزم Humanisme یعنی تجدید حیات ادبی و علمی و هنری و رفرف و اصلاحات مذهبی و ظهور انقلابات اجتماعی و صنعتی و پیدایش کلنیها و مستعمرات و سیادت دول بزرگ در دریاها وضع اجتماعات را دگرگون ساخته است زیرا بشری که امروز با ترن و هواپیما و کشتی بخار مسافرت می نماید غافل است از اینکه روزی تنه درختان را شکافته و در دریاها بوسیله آن از ساحلی بساحل دیگر برای بدست آوردن مواد غذایی در تلاش بوده است .

بشر اولیه برای ادامه زندگی خود و جستجوی زمینهای حاصلخیز و مراتع سبز و خرم دائما در تلاش بوده و سرزمینهای حاصلخیزی چون ایران و مصر و یونان و عراق که جلب نظر انسان اولیه را نموده است مهد اولین و قدیمترین تمدن باستانی میباشند در بین اجتماعات اولیه عبادات اجتماعی پسندیده ای مانند جشنهای اعیاد ملی و جشنهای المپیاد و بازی ها و ورزشهای المپیک مرسوم بوده که نماینده ذوق سرشار و تجلی روح مردمی بی آلاش است که از هر جهت قابل تحسین بوده و پس از قرنهای بیادگار بما رسیده است .

ولی مقداری هم خرافات اجتماعی که امروز در اجتماع ما منداول و مرسوم است از عادات اجتماعی بشر اولیه بشمار میرفت که در نگهداری و انجام آن سعی بلیغ داشتند و امروز هم با وجود پیشرفتهای فرهنگی و اصلاحات اجتماعی در بین اجتماعات امروزی مرسوم است .

عاداتی چون بردگی و پرستش خدایان و ساختن مجسمه ها برای آنان و قربانی فرزندان در راه آنها و همچنین اطاعت از حکومتی که من جانب اله بوده و جان و مال ملتها فدای آما و آرزوهای دمامدار آن میشد و در اثر تحولات اجتماعی و باریختن خون ملیونها نفر امروز بکلی منسوخ گردیده از جمله عادات ناپسندی بود که در بین اجتماعات باستانی مرسوم و متداول بوده است .

ضمناً هنر و ادبیات و صنایع معماری و حجاری که با ظهور رنسانس و تجدید حیات علمی و ادبی و هنری بما رسیده است تجلی روح بوالآباش و ذوق سرشار مردم باستانی بوده و موجب افتخار ما و آیندگان میباشد و نام شعرا و هنرمندان و فلاسفه باستانی یونان و روم برای همیشه در اجتماعات امروز و فردا باقی است .

حسن الله و رد بان طوسی

فروردین ۱۳۳۱



بخش اول

ظهور انسان و پیدایش تمدن های اولیه
در نقاط مختلف جهان

تاریخچه پیدایش موجودات زنده

پیدایش موجودات زنده در روی زمین متکی بمدارکی است که علمای طبیعی و جغرافیا بدست آورده اند و نیز مربوط بفرضیاتی است که انسان شناسان نسبت باصل پیدایش موجودات زنده قائل شده اند چیزیکه مسلم است اولین اصل زندگی موجودات زنده در سطح زمین مربوط به ۴۰۰۰۰۰۰۰ سال قبل می باشد،

اولین آثاری که از موجودات زنده بدست آمده موجودات زنده آبی بوده مانند کرمهای دریائی و صدف و غیره و در کرانه همین دریاهاست که زندگانی رو بشکامل رفته است و در این زمان فقط آب محیط مناسبی برای رشد و نمو موجودات زنده بوده است بعد از چند هزار سال بعد در نتیجه سیر تکاملی و تنازع بقا از جنس حیوانات و نباتات پست ساده موجودات عالیه تری بوجود آمده مانند ماهی و غیره در این موقع تغییر و تبدیل شگرفی در کره زمین بوجود آمده کوههای عظیم و دریاهای عمیقی در روی کره پیداشده و کم کم قسمتی از سطح زمین را خشکی فرا گرفته و بهمین علت انتقال حیات از آب بخشکی عملی شد و کم کم گیاهان در روی زمین بظهور رسیدند اولین نباتی که بظهور رسیده از نباتات مردابی بافته های عظیم مردابی و خزّه بوده است و بعد از

آن ذوحیاتین و خزندگان و سپس طیور و پستانداران زندگی میکنند ولی پس از اینکه حرارت کره زمین نقصان یافت و از شدت باران کاسته شد نژادی نزدیک بانسان مانند گریل در پنجاه سال قبل بوجود آمده اند که اشیائی مانند سنگهای نوک تیزی که بقصد استفاده آنها را تیز کرده اند سنگ چخماق و سنگهایی که بشکل قبر درآورده اند در اروپا بدست آمده است -

اولین آثاری که از انسان واقعی بدست آمده مربوط به چهل هزار سال قبل است و عبارت است از آلات و ادوات سنگی که بشکل تبر بوده و بطور خشن و با صاف آنها را استعمال می نموده و چون آب و هوا فوق العاده سرد بوده در زمینهای بستر میبرده و آتش بجهت حفظ نژاد خود از سرما بکار میبرده و غذای آنها بیشتر شکار حیوانات مانند خرگوش و موش بوده ولی از ماهی و حیوانات دریائی نیز استفاده میکرده این طبقه از نژاد انسانی مدت ۱۰ هزار سال در اروپا بسر برده است ولی در سی هزار سال قبل کم کم هوا از حالت سرمای شدید تغییر یافته و قدری معتدل شده و نیز نژاد جدیدی در آسیای جنوبی و افریقای شمالی پیدا شده که نمونه انسان امروزی است و در این تاریخ بشر کم کم از حالت انزوا و گوشه نشینی خارج و کم کم بحالت اجتماع بسر میبرد ایندوره شروع دوره ماقبل تاریخ است که تقریباً بیست هزار سال قبل شروع میشده و چون بشر اولیه درین زمان آلات و ادوات زندگی خود را از سنگ درست مینمود ایندوره را عهد حجر نامیده اند .

- بشر اولیه در این دوره دارای مختصات زیرین است .
- ۱ . بکار بردن سنگهای تراشیده مانند تبر و سر نیزه و غیره
 - ۲ . پیدایش زراعت و استفاده از نباتات و حیوانات .
 - ۳ . استفاده از ظروف سفالین .
 - ۴ . اهلی نمودن حیوانات مانند گوسفند و بز و خوک .
 - ۵ . بافتن سب و پارچه های علفی .
 - ۶ . استفاده از شکار حیوانات ساختن کلبه های از چوب در هوای آزاد و جوامهراتی از دندان حیوانات و صدفهای دریائی برای خود تهیه میکردند است این مشخصات از آثار اولین عصر تمدن ماقبل تاریخ بشر است ولی کم کم در این نقاط خوش آب و هوا مجتمع شده و برای خود مکانهایی از سنگ درست میکنند و در پنجهزار سال قبل از میلاد مسیح موفق با استفاده از فلزات مانند مس و مفرغ میگردد . و بتدریج این بشر اولیه در نقاط مختلف پراکنده شده تشکیل تمدنهای ماقبل تاریخ را داده و موجود دول بزرگی میشود .

پیدایش نژاد های انسانی

در نتیجه پراکندگی بشر اولیه بنقاط مختلف کره زمین آب و هوای مختلف در تغییر رنگ پوست بدن آنها دخیل بوده است همچنانکه خوراک و دفاع خود از خطرات خارجی تغییرات اساسی در طرز زندگی آنها بوجود آمده ست اثرات آب و هوا و محیط باعث تغییر و تبدیل اختلاف فوق العاده زیاد بین انسان گردیده است .

تفکیک چند عده از یکدیگر و اختلاط چند دسته با یکدیگر یکی از عوامل اختلاف نژادی شده است و نیز محیط زندگی و اقامت زیاده از حد در آنجا که بیشتر آنها را به کشاورزی در آنجا واداشته است باعث شده که محیط در اختلاف نژادی بشر اولیه موثر شود مثلاً در یکی از نقاط دور افتاده جهان موسوم به تاسمانی قومی که بکلی از محیط تمدن دور افتاده است زندگی میکرده که دارای همان تمدن حجر قدیم بوده است و تا سال ۱۶۰۲ بعد از میلاد که بدست هلندیها کشف شد بهمان حالت بسر میبردند بهمین علت امروز اختلاف محیط که موجب اختلاف نژادی بشر اولیه گردیده بخوبی مشهود است چنانکه سیاه بوستان آفریقا دارای پوست سیاه و لبان کلفت و موهای مجعد و زرد - بوستان در آسیای خاوری و نیز عده ای دارای موهای - بور و چشمان آبی و خوش رنگ در شمال باختر اروپا ساکنند و یا آنهایی که در کنار مدیترانه بسر میبرند دارای پوست سفید و چشمان مشکی میباشند .

پیدایش تمدنهای اولیه در نقاط مختلفه جهان

در اثر اکتشافاتی که شده است معلوم گردیده که سرزمین اطراف مدیترانه و جنوب اروپا مهد نخستین تمدن بشری بوده است و بشر اولیه در این نقاط بساختن شهر و معبد و آبیاری و تشکیلات اجتماعی پرداخته است دره های زرخیز رود نیل در مصر و اطراف بین النهرین « دجله فرات » مهد پرورش این تمدن بوده اند شرایط طبیعی این نواحی موجب پیدایش این تمدن شده

است زیرا تغییر وابدیلات آب و هوا در سیر تکاملی تاریخ تمدن بشری موثر است تاریخ تمدن این نواحی بوسیله محققین بوسائلی که ذکر میشود شناخته شده است .

۱ - بوسیله تاریخ زمین هائیکه آثار بشر اولیه در آن پیدا شده .

۲ - از روی مختصات حیوانات و نباتات و جنگلهائیکه از یکناحیه بدست آمده است .

۳ - از شکل جمجمه ها و ابزار و آلاتی که بدست آمده است .

این تمدنها هر يك در ناحیه ای بدیدار ورو بتکامل گذاشته است یعنی ممکن است در همان زمانیکه تمدنی در اطراف دره نیل نمایان شده تمدن دیگری در اطراف دره های دجله و فرات بظهور رسیده و تکامل یافته است گفته شد که بشر اولیه بطور پراکنده در دسته بناحیه ای متوجه شدند برای اینکه در نقطه ای از سطح زمین متمرکز شوند بایستی تمام وسائل زندگی از قبیل آب و علف و حیوانات و خوار و بار و وسائل ساختمان در اختیار داشته باشند این شرایط گرچه در بسیاری از نواحی آسیا و اروپا وجود داشت و بشر هم در این جا . مسکن گرفت ولی هیچ نقطه ای از این حیث بهتر از مصر و بین النهرین « بین دجله و فرات » که در قرون قدیمه جدا گانه بخلیج فارس میریختند وجود نداشت چنانکه هرودوت مورخ یونانی راجع بحاصلخیزی این ناحیه گوید .

که در بین النهرین هر دانه گندم ۲۰۰ دانه محصول داشته است

این نواحی از حیث گیاه حیوانات و سایر وسائل زندگی بهتر از سایر نقاط بوده است .

و خاک رس برای تهیه آجر ساختمانی جهت بنائیز موجود بوده است و در این نواحی بوده است که بشر عادت خانه بدوشی را فراموش کرده است و در یکجا متمرکز شده است و همین تمرکز باعث ازدیاد آنها گردید و حیوانات وحشی که قبلاً در اینجا جمع بودند کم کم متفرق شدند و امنیت باندازه ای شد که انسان باآسانی در محیطی که زندگی می کرد رفت و آمد می کرد .

اما در این زمان که این دسته از نژاد انسانی که با داشتن وسائل زندگی در این نقاط متمرکز شده بودند عده دیگری از نژاد انسان که برخلاف چندان طبیعت با آنها روی موافقت نشان نداده بود یعنی زمین قابل استفاده نبود و تغییرات دائم آب و هوا مانع از استقرار دائمی آنها میشد مانند جنگلهای اروپا و صحراهای افریقا و چراگاههای مرکزی آسیا و غره آنها را مجبور نمود که دائماً در حرکت باشند و با آنها اسم چادر نشین اولیه داده شد این عده برخلاف چوون مجبور نبودند که از زمین استفاده نمایند بیشتر در آزادی بسر میبردند و برای وسائل زندگی از شکار و گله چرانی استفاده میکردند و اغلب برای تغذیه خود مجبور بودند که بدیگران حمله نمایند و برای دفاع خود و شکار از آهن زود تر از همه استفاده کردند .

اما نیاختی تصور نمود که همیشه نژاد انسانی از صورت چادر نشینی بصورت شهر نشینی درآمده .

این چادر نشینان پیوسته برای بدست آوردن آب و علف و قوت لایموت از نقطه ای بنقطه دیگر در حرکت بودند و هر چند صباحی در نقطه اینکه احوال و اوضاع مادی آن مساعد می نمود رحل اقامت می افکندند .

بدیهی است که میان چادر نشینان آن نوع تشکیلات اجتماعی که در شهر نشین دیده میشود وجود ندارد . قدرت و نفوذ رؤساء روحانی مانند کهنه مردم شهر نشین نیست .

زاد و ولد در میان چادر نشینان کمتر است تا شهر نشینان در عوض تاب و توانائی جسمی افراد بمرااتب بیشتر است ، و قدرت بر رئیس قبیله یا ایل اختصاص دارد و مردم بالطبع آزادمنش تر و جوانمرد تر و رشید ترند و با اینکه بایند بخانه و شهر نیستند در بعضی از مسائل معرفت و معلومات علمی و هنری ایشان از شهر نشین کمتر نیست چه همان حرکت دائمی که مستلزم نزدیک شدن بمراکز مختلفه تمدن برای معاملات و تبادل کالا و غیره است ایشانرا بفرافرفتن بعضی از معلومات متمدنین آشنا میسازد و در باره ای موارد چادر نشینان واسطه رساندن معلومات قوم متمدنی بقوم متمدن دیگری میشوند . اما در مقابل روابطی که همه وقت مابین ساکنین شهرها و بدویان صحاری و دشتهای مجاور مراکز ایشان در دادوستد وجود دارد خواهی نخواهی چون شهر نشین برای تأمین زندگانی آینده و مصالح دیگر خویش همه وقت مقداری از حاصل دسترنج خود را ذخیره میکنند و بدوی در طلب راحت پیوسته باین درو آن در میزند و رباینده و غنیمت جوست .

هر وقت که شهرنشین را غافل و ضعیف بیند قدم ترکنازی در پیش میگذارد و نهاده و اندوخته او را میبرد و اگر زمینه را مساعد دید برجای شهرنشین می نشیند و او را رنجبر و کارپرداز و مطیع فرمان خود میسازد نزاع بین این دو نوع مردم با ایندو درجه از تمدن از ایام بسیار قدیم ظاهر شده و قسمت اعظم تواریخ جمیع ملل متمدنه وقف شرح اینگونه کشمکش ها است .

در نخستین بار بشر برای بدست آوردن خواروبار و لوازم زندگی تغییر محل داده و بعداً عده ای از آنها تمایلی باستقرار پیدا نمودند در حالیکه عده دیگری از آنها بیشتر تمایلی نسبت به چادرنشینی از خود ابراز میداشتند .

چون این دو دسته سیر تکاملیشان بایکدیگر فرق داشت لذا نسبت بیسیدیکر بدین بودند چون اصطکاک بین آنها غیر قابل پرهیز بود بزودی جنگ بین ایندو دسته شروع شد .

چادر نشینان بطرف دشتهای حاصلخیز بدون دفاع هجوم برده و باشتغال آن سرزمینها برداختند و در آنجا ها مستقر شده و شهرنشینان را بصورت برده درآوردند و چادرنشینان خود را پادشاه و شاهزاده خواندند باز پس از چندی عده ای دیگر چادرنشینان این عده را رانده و خود جانشین آنها شدند این استعمار و اشغال و آشناسدن بمحیط متمدن تری بیشتر در سرزمین بین النهرین که دارای دره های بزرگ آزاد و بدون دفاع که در اطراف آن زمینهای که قابل کشت کافی باشد وجود نداشت تا بتوان دسته ای از نژاد انسانی را در آنجا جاداد عملی شده است .

نخستین دسته ای از نژاد انسان اولیه که در این سرزمین
نخستین شهر حقیقی را بنامودند طایفه ای بودند بنام سومریها که
دارای رنگ تیره با بینی برجسته بودند که در ۸ هزار سال قبل بساختن
شهرها پرداختند چون نوشتجات آنها در روی آجر که در آن
کلمات را حک میکردند بوده است. بتمدن آنها پی برده شده است
سومریها در نخستین دفعه در نزدیک خلیج فارس در کنار شط
بسر میبردند و برای زراعت خود از آبیاری استفاده میکردند دهکده
آنها از خانه های چوبی بود که کم کم تبدیل بشهر شد چون
در این نواحی سنگ کمیاب بود با آجر ساخته انهای خود را بنا
میکردند و بساختن معبد و ظروف سفالی میپرداختند •
برای نوشتن از الواح آجری استفاده میکردند هنوز کاغذ
مورد استفاده قرار نگرفته بود •

خط آنها بشکل منحنی بوده است •
خط میخی که ظاهرا قدیمترین نمونه خط بوده است و بعدها
از این قوم به ایرانیان و طوایف کلدانی و عیلامی رسیده است
در بین آنها مرسوم بوده است •

نخستین امپراطوری و سلطنتی که در دنیا برپا شد و از خلیج فارس
تا مدیترانه وسعت داشت و نخستین معابد و اولین شاهانیکه جنبه
خدایی داشتند از میان سومریها برخاستند کارهای مهم آنها اختراع
خط و وضع قوانین علوم و صنایع میباشد که بعدها بمجمل دیگر انتقال
یافت در اینموقع که سومریها تمدن درخشانی داشتند در انتهای
باختری این کشور عده ای دیگر از اقوام جادرنشین دیگری که دارای

زبان سامی بودند وجود داشتند که دارای زبان سامی بودند که در ابتدا با سومریها تجارت داشتند و بعدا با آنها مدت زیادی بجنگ پرداختند بعدا در بین این دسته از سامیها يك رئيس مقتدر موسوم به سارگن بآنها قانونی تحمیل و بر سومریها غلبه نمودند و بر تمام نواحی که از خلیج فارس در باختر و تا مدیترانه وسعت داشت تسلط یافت .

و بیش از دو قرن طول کشید با وجود اینکه این دسته از نژاد انسانی بر سومریها تسلط یافتند ولی تمدن سومریها در آنها تاثیر فوق العاده نمود چون خط سومریها را تقلید نموده و زبان آنها زبان علمی و سیاسی آنان گردید .

بحکم پادشاه کلیه نوشتهجات راجع به مذهب و قوانین سحر و جادو و غیره بزبان سامی ترجمه گردید و این قوم پس از چندی گرفتار حمله قوم دیگری که در شمال بین النهرین بودند و قوم آشور نام داشتند گردیدند و نیز از طرف مشرق گرفتار قوم دیگری موسوم به عیلامیها که در خوزستان امروزی مسکن داشتند گردیدند .

در همین زمانیکه در بین النهرین تمدنهای مختلفی بوجود آمده و رفته رفته کامل میگذاشت تمدن دیگری در دره نیل بوجود آمده و سیر تکاملی خود را می پیمود .

مصر در این زمان از طرف باختر بتوسط صحرای وسیعی دفاع میشد و از طرف خاور دریا و صحرا آنها را محافظت میکرد بهمین جهت هم در سیر تکاملی خود کمتر گرفتار هجوم قبایل دیگر

تمدن اولیه در چین

تمدنی که در چین بوجود آمده که املا مشخص است و با سایر تمدنها فرق دارد این تمدن در دره یانگ تسه کیانگ و رود هوانگهو بوجود آمده ولی اطلاعات ما راجع باین تمدن اولیه بعد از دوره حجر است و هیچگونه آثاری از این زمان نداریم و اطلاعات ما از ادبیات چینی است که بیادگار مانده است و آثاری که نشانه نفوذ نژاد سامی یا آریاباین ناحیه باشد در دست نیست و میتوان گفت که هنوز دریاها و کوهها و صحراها این عده را از چینی ها مجزا کرده است و هنوز بشر نتوانسته بود که این موانع را از بین بردارد و میتوان گفت که تمدن چینی ها بدست خود آنها ایجاد شده است گرچه عده ای امروز ادعا دارند که سومرینا در بین النهرین و چینی ها هر دو سرچشمه تمدنشان از تمدن عصر حجر است که در تمام دنیا منتشر شده است .

امروز اطلاعات فوق العاده مختصری بمقابل تاریخ چین جنوبی در دست است در این قسمت چینی ها با نژاد هائی مانند سیامی ها و بیرهائی یا در جنوب شرقی آسیا برخورد نمودند در هر صورت تمدن چین از ۲ هزار سال قبل از میلاد پیدا شده است .

راجع بتاریخ آنها اطلاعات ما از تاریخ ۲۶۰۰ تا ۲۴۰۰ قبل از میلاد مسیح است و بیشتر تاریخ آنها شامل نزاع بین شهر نشینان و چادر نشینان میباشد و از لحاظ حکومت يك حکومت ملوك الطوائفی در بین آنها حکفرما بود ولی کم کم چین از صورت ملوك الطوائفی خارج و بصورت يك کشور واحدی در آمد و سلسله های چانگ Chang

و چئو Cheoa در آنجا حکومت کردند.

در این زمانه آثار ذیقیمتی مانند ظرفهای برنجی که بطرز جالب توجیهی ساخته شده و نشانه‌ای از تمدن درخشان آن زمان در چین بوده است بدست آمده وحدت سلطنت چین در این زمان از نظر مذهبی بوده است.

در حقیقت پادشاه پسر خدا بود و بنام ملت قربانی میکرد میتوان گفت که در چین يك مذهب مشترك و يك تمدن مشترك حكمرمائی ميكرده تاريخ استعمال آهن در چین هنوز معلوم نیست ولی بقرار معلوم اسلحه آهنی را ۵۰۰ سال قبل از میلاد بکار میبردند.

در نتیجه فعالیت زمامداران چین دیوار بزرگ چین که سابقه تاریخی دارد برای جلوگیری از حملات وحشیهای شمالی ساخته شد و مراوده و ارتباط تجارتنی با هندوستان برقرار گردید.

تمدن اولیه در اروپا

در حالیکه این تمدنها مدت چندین هزار سال در این نقاط نشو و نما نمودند در سایر نقاط تمدنهای دیگری بوجود آمده است. در شمال اروپا نژاد های شمالی انسانان اولیه با استفاده از فلزات پزی بردند و کم کم بصورت چادر نشینی درآمدند.

تمدن اولیه در افریقا و استرالیا

در افریقای مرکزی و جنوبی نژاد سیاه رو بتکامل رفت در حالیکه در ۳ هزار سال قبل از میلاد عده‌ای از انسان اولیه دوره حجر که در هند شرقی بسر میبردند از پلی که هند شرقی را با استرالیا وصل مینمود عبور نموده و در آنجا پراکنده شدند ولی هنوز در جزائر اقیانوسیه نژاد انسانی نفوذ نکرده بود.

تمدن اولیه در آمریکا

آسیا و آمریکا امروز بوسیله باب برنگ از یکدیگر مجزا هستند ولی بنظر میرسد که در عهد قدیم این دو قاره بیکدیگر متصل بوده و بعداً در اثر چین خوردگی زمین این دو از یکدیگر جدا شدند در زمانی که این دو قاره بهم مربوط بودند انسان اولیه از گوشه شمال شرقی آسیا از راه آلاسکا بآمریکا وارد شده است و بطرف جنوب آمریکا سرانیز شدند و معادل هزار سال قبل از میلاد در آمریکا مخصوصاً در قسمت مکزیک و پرو بیابانی تمدن خاصی را گذاشتند که شباهت زیادی با تمدن سومر داشت .

تمدنهای اولیه آمریکا بعلمت مجهول ماندن آمریکا تا قرون جدید تأثیری در تمدنهای قدیمی داشته است .

مسلمانان در حدود هزار سال قبل از میلاد آنها شهر نشین بوده و بکار زراعت مشغول بودند .

بعد از آنکه دوره شناسائی فلز بوسیله انسان اولیه رسید آنها برخلاف سایر نواحی بوجود آهن و استفاده از آن در زندگی خود بی بردند و کم کم از سایر فلزات مانند مس و طلا استفاده نمودند و ای در ساختن ظروف سفالی تراش سنگ و پارچه بافی و رنگ رزی فوق العاده مهارت داشتند .

تمدن آنها با سایر تمدنها فرق داشت و دارای يك خط تصویری بودند و این خط را اغلب در روی سنگ یا پوست می نوشتند در حدود ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح نیز دارای صنعتی شده اند که نماینده ذوق آنهاست .

تمدن امریکا برخلاف تمدنهای دنیای قدیم که در اثر اختلاط نژاد های مختلفه رویتکامل گذاشت هیچوقت از حالت اولیه خود خسارج نشده و از محیط خود خارج ننموده است چنانکه پس از کشف آمریکا بتمدنهایی پی برده شد که در کنار هم وجود داشته بدون اینکه در طی قرون متمادی ارتباطی باهم پیدا کنند چنانچه اسپانیولیا هنگامی بر امریکای جنوبی دست یافتند مکزیکی ها بکلی از پرو دور بوده و اصلا اطلاعی هم نداشتند حتی سیب زمینی که از غذای اصلی پرو بود مکزیکیها اصلا اطلاعی نداشتند *

تمدن دریائی

در همان زمانیکه دسته ای از نژاد انسانی به حالت شهرنشینی با چادر نشینی بسر میبردند عده دیگری که مجبور بودند برای ادامه زندگی و بدست آوردن مواد لازمه از قبیل خوراک و غیره از طریق آب از خشکی بخشکی دیگر بروند *

مانند آنهاست که در سواحل ویا جزائر داخلی مدیترانه ویا سواحل و جزائر خلیج فارس و یا سواحل دریای احمر زندگی میکردند مجبور بودند که برای صید ماهی و یا حمل و نقل از آب استفاده نمایند و چون باهمان وسائلی که در خشکی استفاده میشد در دریا نمیشد بکار برده شود لذا بفکر ساختن وسیله جدیدی مانند کشتی افتادند و آنهاست که در عصر حجر در کنار آب زندگی میکردند بساختن آن پی بردند *

در اول حلقه کشتی ها را از تنه درخت و یا قطعات چوب بساختند و این قطعات در روی آب شناور بوده و اهالی برای سفر کردن بآنها

متوسل میشوند بعدا چون این طرز اشکال فراوانی داشت بفکر افتادند که وسط چوبها را خالی نمایند و در آن جا گزرفته و حرکت نمایند .

بالاخره کم کم چون وسائل جدیدی پیدا شد بفکر افتادند کشتی های حقیقی بسازند و حتی در مصر و بین النهرین کشتی ها را قیراندود میکردند و در روی رودخانه های بزرگ برای حمل و نقل بکار میبردند و میتوان گفت که از تعقیب همین رودخانه هاست که کم کم بشرداخل دریا شده و بفکر عبور از دریای بزرگ افتاده است استفاده از کشتی موجب شد که در فن دریانوردی مهارت یابند چنانکه کشتی های در دجله و فرات تا خلیج فارس پیش میرفتند وقتی آثار بسیاری از زندگی بحری در ۶ هزار سال قبل از میلاد در کرانه شرقی مدیترانه بدست آمده است اما آریاییها خیلی دیرتر بدریا دست یافتند .

نخستین کشتی گمان می رود که بدست سومریها ساخته شده و بعدا نژاد سامی بساختن کشتی و استفاده از راههای آبی پرداختند و در ضول دریای مدیترانه فنیقی ها که از همان نژاد سامی هستند عده بنادری ساختند و کم کم بطرف باختر مدیترانه پیش رفته و بندر مهم کارناژ را بنا نمودند اما قبل از فنیقیها قوم دیگری در کنار دریا بسر میبرده است که گرچه از حیث اهمیت در بحر بیمائی و بازرگانی دریا بفنیقیها نرسیدند ولی بنظر میرسد که این قوم در علم دریا نوردی پیشقدم بوده است این قوم که بنام طوایف رژی یا اهالی کرت معروفند از نژادی بودند که با نژاد ایبر اسپانی و نژاد هائی که دارای پوست تیره بودند و در آسیای صغیر و افریقای شمالی بسر میبردند شباهت داشت .

از زبان آنها اطلاعاتی در دست نیست و این نژاد انسان نه تنها در آسیای صغیر بودند بلکه در جنوب ایتالیا بحر میبردند و دارای تمدنی فوق العاده درخشان بودند .

قبل از اینکه یونانیان در دنیا پراکنده شوند و تمدنی ایجاد نمایند این قوم دارای تمدن درخشانی بودند و قبل از فنیقی ها مدیترانه را قلمرو بازرگانی و استیلای خود قرار داده و در سواحل جنوب اروپا و آسیای صغیر مراکز بازرگانی بسیار بزرگی بنا نمودند که مهمترین آنها بندر تروا و کنوسس در جزیره کرت بود .

در شهر کنوسس آثار و باقیمانده ان از تمدن آنها است آمده است که بی اندازه جالب توجه است و حتی در این شهر آثار مصر حجر باندازه آثاری که در مصر وجود داشت سابقه دارد و عصر برنج مانند مصر در یک زمان شروع شده است .

در جزیره کرت ظرف های سنگی بدست آمده است که ثابت میکنند که بین مصر و کرت (کرت نام جزیره ایست در دریای مدیترانه) روابط بازرگانی برقرار بود و تا هزار سال قبل از میلاد طول کشیده است در حقیقت میتوان گفت که این تمدن که در خشکی بوجود آمده و بهمان اندازه تمدن مصری سابقه دارد از چهار هزار سال قبل از میلاد از راه دریا در دنیا منتشر و توسعه یافته است .

این تمدن از زمانی که یونانیان و فنیقی ها با دریا آشنا شدند تغییر شکل یافت و کم کم جای خود را به تمدن دریائی یونانی و فنیقی داد .

بطور کلی شناسائی اقیانوسها از عملیات اکتشافی فریبنده و مهم

که از گزارشهای آن بیم و هراس و وحشت از قوای طبیعی ظاهر بوده و توام با وقایع سنگفت آوری است که برای بشر رخ داده است آغاز گردید .

بعد راههای دریائی کشیده شده ارتباط منظم بین قاره ها و بنادر برقرار گردید و در نتیجه دریا که يك عامل جدا کننده بشمار میرفت بتدریج بصورت يك وسیله ارتباطی درآمد و از آن پس عامل مؤثر مبادلات نه تنها از نظر مبادله اجناس و کالا بلکه حتی وسیله مبادله افکار و عقاید شد نواحی دریائی بنهرو سریعی ثروت و تمدن تحصیل نموده و از اینجهت از آبادیهای میان قاره ها و بقیه نقاط گیتی پیش افتادند بدون شك اولین بحر پیمائی بشر برای رفع حوائج غذایی و صیانت خود مانند صید ماهی در مناطق ساحلی ، مهاجرت هنگام یخبندان عهد چهارم برای رسیدن بمناطق معتدله بود بعد برای کسب ثروت و مواد قیمتی عاج مصنوعات عاجی چوبهای کمیاب ، ادویه جات و ابریشم کوشش بعمل آمد .

تجارت با مناطق دور همانطور که از راه خشکی جریان داشت از اینراه و توسط دریا نیز تعقیب و تکمیل گردید و در حقیقت عمل کشتی ها مکمل عملیات کاروانها شد .
خوشبختی و ثروتمندی بنادر صور و صیدا واسکندریه و کارتاژ را دریا فراهم آورد .

رودخانه و دریا وسیله ای بود که سوداگران آشوری و کلدانی هقیم در بین النهرین با کشورهای دوردست معامله و تجارت میکردند و اشیائی که مورد احتیاج آنها بود از آنها میخریدند و اشیاء اضافه بر

احتیاج خود را با آنها میفروختند مثلاً اقوام فوق الذکر چوبهای قیمتی و آهن را از راه دجله و فرات از ارمنستان بارچه ها و سنگهای قیمتی را از راه خلیج فارس از هندوستان میخریدند .

در سال ۱۸۴۷ هیئت باستانشناسی شمال و بویژه فرسها در Forchendr و وساک Wosac در دانمارک و سواحل اسکندیناوی توده های بزرگی از اواع صدفها در طول ۳۰ - ۱۰۰ متر و ارتفاع ۱ - ۳ متری کشف کردند و اتفاقاً در بین استخوان ماهی زینت آلات صدفی آلات سنگی و گلی کشف شده است و در نقاط دیگر نیز مشاهده شده و آثاری که نشانه از يك زندگی ماهیگیری بوده بدست آمده است .

بین سالهای ۱۸۵۳ - ۱۸۵۳ ضمن يك زمستان سرد در سواحل دریاچه های سوئیس باقیمایند، های دهکده ها و خانه هایی که روی قایق در وسط آب میساخته اند و برای ماهیگیری مورد استفاده قرار میگرفتند ظاهر شد .

در این قطعات شکل قایقی که که در بدو امر توسط انسان بکار میرفته بخوبی آشکار است در حدود ۵ - ۷ هزار سال است که که انسان طرز بکار بردن فلزات را آموخته انسان اولیه علاوه بر صیادی و ماهیگیری بجمع آوری گیاههای وحشی و بعد بکشت و زرع غلات پرداخته و پس از آن مقدمات نوشتن را کشف کرده است .

جماعاتیکه در بین النهرین زیست میکردند در ردیف نخستین قوم دریانورد میباشند ولی مصریان اولیه چون با زمین سروکار داشتند و زارع بوده اند یا اینکه سامیهای گله چران و چادر نشین در فکر

پیدا کردن مراتع و چمنهای سبز و خرم بودند بدربا چندان احتیاج و علاقه ای نداشتید و حداکثر استفاده آنها ماهیگیری و قایق رانی در روی شطوط بوده است و خلاصه میتوان گفت که آب شیرین برای آشامیدن و تهیه غذا و حمل و نقل محدودی برای انسان قابل استفاده بود .

خارج از نقطه مدیترانه در قسمتهای دیگر اروپا و بقیه نقاط جهان جریان فوق خیلی دیرتر شروع شد .
 آناری هم در دست است که میتوان گفت که در اقیانوس کیپر نیز توسط پلینیزیها بحر بیهمانیها طولانی حتی تا سواحل غربی امریکای شمالی و جنوبی بعمل آمده است .

انسان که بدو امر قایقهای باشکله و منظره خیلی ساده با کمک خیکهای پوستی و تقریباً مدور مانند آنچه که در روی نقش برجسته آشورمها دیده شده است میساخته است و نیز قایقهای از پوست های بهم بافته که گاهی درخت هم بکار میرفته با بادبانهای باچوب های بهم بسته وجود آورده بودند و همچنین باید قایقهای اقوام استرالیایی را ذکر کرد که چنانکه ذکر شد تنه درختی را مجوف کرده و بر روی آب میانداخته اسکیموها هم قایق خود را از پوستهای بهم بافته میساختند تمام این قایقها شکلشان از نظر نازکی یا ضخیمی یا داشتن لشکر جانبی باهم فرق داشتند در مورد زادن این قایقها باید گفت که از چوبهای دستی که در دو طرف قایق تعبیه شده بود استفاده میکردند و عموم این قایقها دارای بادبان بودند از آنچه گفته شد میتوان متوجه گردید که انسان در دوره ماقبل تاریخ دریا را میشناخته و با آن سروکار داشته است .

مراحل ابتدائی که بشر از دسترنج و محصولات خود تغذیه میکرد و تغییر مکان میداد برای بدست آوردن چیزهاییکه فاقد آنها بود متوسل به مسافرت میشد و از طریق دریا با نواحی دیگر مهاجرت میکرد یا اینکه از دریا برای رفع حوائج خود استفاده مینمود عده ای در سواحل دریاها مکن گزیده و از طریق صید ماهی اداة زندگی میدادند و عده ای بدریاوردی پرداخته مواد اولیه برای ساکنین در سواحل دریا و اقوام دیگر تهیه مینمودند در دریای مدیترانه یونانیها و فنیقی ها در فنون بحریه مائی اطلاعاتی کسب و تجارت از طریق دریا مشغول شدند و دری نگذشت که تمدن اولیه دریائی از زمانه ای که اقوام فنیقی و یونانی دست بدریا یافتند و دارای نیروی دریائی مقتدری شدند که کمرباط انحطاط گذارد و در ۱۴۰۰ قبل از میلاد کنوشس پایگاه تجارت مورد حمله قرار گرفت و بدست یونانیان افتاد .

در این زمان قوم دیگری موسوم به فنیقی ها پیدا شد که در دریاوردی مهارت زیاد یافتند و کارناژ را که دارای اهمیت فوق العاده ای بود بنا نهادند و در عصر خود بزرگترین کشور دریائی دنیا بشمار میرفت .

وقتی دریای مدیترانه را جزء متصرفات خود دانسته و هر کشتی ناشناسی که از اینجا عبور میکرد ضبط میکردند .

بندر کنترتاژ در این زمان تقریباً یک میلیون جمعیت داشت و وضعیت کشتی رانی آن اهمیت شایانی بخود گرفت .

تمدن اولیه یهود

در همان زمانیکه اقوام آریائی کم کم بنقاط متمدن امروزی

سرازیر شدند در اطراف شهر اردن و بیت المقدس قوم کوچکی که از چادر نشینان سامی بودند در حدود هزار سال قبل از میلاد اقامت داشتند و این قوم که بنام عبرانیان و یهود و بنی اسرائیل خوانده میشدند نه از نظر سیاست و دولت اهمیت داشتند و نه از نظر تمدن که در دنیا از آنها نامی برده شود ولی اهمیت آنها از این لحاظ است که از خود کتابی بنام تورات و یا عهد عتیق بیادگار گذاشتند که مجموعه ایست از ادبیات تاریخ عمومی عالم که بسیاری از آثار ادبی و هنری از آن سرچشمه گرفته است .

ظهور تمدن در یونان

ملت یونان نخستین ملتی است که بزرگترین خدمت را به تاریخ بشر نموده است .

یونانیان در ۱۵۰۰ قبل از میلاد مسیح بطور بدوی و سرگردان در جنوب اروپا مسکن داشتند و دارای يك زبان بودند و عادات و رسوم متحدالشکل آنها را بهم مربوط میساخت ولی بنظر میآمد که این قبایل سه دسته بودند که یکی پس از دیگری باین سرزمین آمدند این سه دسته عبارت بودند از ایونین و ائولین ها و دورین ها این مردم بیشتر از نژاد مدیترانه ای بودند و بصورت وحشی زندگی میکردند و تمدن اژی را که قبلا در یونان بود از بین بردند این آمدن با آمدنی که در فرات و دجله و رود نیل و اروپا و آن دو رودخانه بوجود آمده بود در همان نقاط پرورش یافته و در نخستین حالت در اطراف معاقد رو به تحول گذارد و تشکیل امپراطوری داد در صورتیکه یونانیان با همان حالت وحشیگری و غارتگری بنقاطی آمدند که در آنجا تمدن قدیمتری

وجود داشت و در آن زمان دریا نوردی وجود خط و شهرهای مرتب از آثار آنها در این نقاط وجود داشت و یونانیان دیگر احتیاجی بایجاد تمدن جدیدی نداشتند ، بلکه آنها تمدنی را از بین برده و در جای دیگر آن وبا همان باقیمانده تمدن جدیدی بوجود آوردند ؛ ولی یونانیان اولیه سازمانی را که در شرق با هستگی رویت کامل گذارده بود دفعه‌ای ایجاد کردند منتها یونانیان رومی با ذوق و از همان ایام قدیم دارای نوازندگان معروف بودند ، و فکر خود را بسیر در احوال بشر و مطالعه سرنوشت مادی و معنوی و جمع معلومات علمی و حکمتی نمودند و بدین ترتیب بنیان علمی تمدن دنیا را ریختند و چون مذهب آنها هیچ جنبه حکمتی و اخلاقی نداشت روحانین اسرار دینی و علمی را مانند سایر روحانیون دنیای متقدم آن روز بخود اختصاص داده بودند و بهمین جهت هم خود را مصروف کشف اصول و قوانین کلی برای تربیت نفس انسانی و رشد دفاعی او و تربیت اداره اجتماعی مصروف ساختند .

تمدن آریائی

مرکز اصلی آریائی‌های اولیه را در نواحی رود دانوب و در جنوب روسیه میدانند و گفته شده است که از آنجاها بسایر نقاط پراکنده شده است .

ولی عده ای از این نژاد بطرف باختر اروپا و عده ای بطرف جنوب آسیا یعنی ایران و هندوستان و افغانستان - رازیر شدند و در ۱۴۰۰ قبل از میلاد نواحی فوق را برای سکونت اختیار نمودند .
امروزه کلمه آریائی برای ملل هندی و ایرانی گفته میشود و

نام هند و اروپائی برای مجموعه نژاد آریائی که در نقاط مختلفه
پراکنده شده بودند بکار برده میشود .

این قوم آریائی بتدریج از نواحی جنگلی شمال دنیای قدیم بطرف
دشتها و جلگه های حاصلخیز و جزایر و سواحل مساعد باشیب سرازیر
شدند و اختلاط آنها با متمدنین نژاد سامی و حامی وازی و غلبه آنها
بر جمیع متمدنین سر رشته تمدن دنیا را بدست قوم آریائی داد که
بتشکیل امپراطوری های عظیم الشانی نائل شدند .



بخش دوم

تمدن اولیه در مصر

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی در مصر اولیه

دربار و قدرت فراعنه مصر

وضع جغرافیائی مصر قدیم

مصر و رود نیل

سرزمین مصر در شمال شرقی افریقا واقع شده حد شمالی آن قسمتی از دریای مدیترانه و حد مغرب آن دریای احمر و از مغرب و جنوب بصرای لیبی محدود است .

در مصر باران کم میباشد ولی وضع اقتصادی این کشور بسته به وجود رود نیل است که از دریاچه های ویکتوریا و اکبرت در مرکز افریقا سرچشمه میگردد و شعبه های دیگری مانند نیل سفید از بحرالغزال و نیل آبی که از کوه های حبشه سرچشمه گرفته و از سمت راست وارد آن میشود طول رود نیل ۶۴۰۰ کیلومتر و مقدار آب آن بحدیست که در هر ثانیه ۱۳۰۰۰ متر مکعب آب را حرکت میدهد آب رود نیل همه سال در خرداد کم میشود و سطح آن فرومی نشیند در این وقت سال چون آب آن آبی است آنرا نیل آبی مینامند از پایان خرداد و آغاز تیر ماه بارانهای استوایی سبب طغیان رود نیل میشود و آب آن شفاف و سبزه و ناکوار است باینجهت نیل سبز نام دارد .

پس از آن تدریجا بر شدت طغیان نیل می افزاید و سبب گل و لای فراوانی که همراه میآورد سرخ رنگ میشود و تمام جلگه های اطراف را فرا میگردد چنانکه قصبات و دهکده های اطراف رود بصورت جزائر کوچک در میآید و در اینحال آنرا نیل سرخ میگویند .

طغیان نیل تا ماه شهریور دوام می یابد سپس تدریجا فرومینشیند و تا ماه آذر باز بیشتر نخستین باز میگردد .

طغیان نیل مایه آبادی و حاصلخیزی زمینهای مصر است چه گل و لای آن موجب قوت زمین میشود و چون آب فرونشست زارعین بکار

بذر افشانی می‌پردازند و چهار ماه بعد از آن محصول بر میدارند مصریان قدیم همواره اطلاعات کم و بیشی را جمع به منابع نیل داشتند و میدانستند که نیل از دو منطقه استوایی و حاره سرچشمه میگیرد .

در واقع منابع نیل برای مصریان اولیه يك جنبه اسرار آمیزی داشت و علل اصلی و واقعی این امر طبیعی یعنی طغیان نیل را در بهبوحه فصل گرما میدانستند راجع به طغیانهای نیل سرود های میبچی وضع کرده بودند مصریان اولیه معتقد بودند که ازدیاد رود نیل بدون يك قطعه باران بواسطه اشك چشم رب النوع Ysis ازیریس است که در مرك شوهر Osiris ازیریس میگیرد مصریان نیل را رود خانه آسمانی فرض کرده و خاصیت آن که آبهایش در فصل گرما بجای تقلیل و خشکیدن طغیان مینمود جلب توجه مینمود افسانه هائی وضع کرده بودند .

در هر صورت رود نیل که موجب سهولت آنها بود مورد تجلیل قرار میگرفت زمینهای اطراف رود نیل از خاکهای رسوبی مستور است که جمعیت نسبی آن زیاد بوده و در آن انواع سبزیجات بعمل می‌آید و جود باغات زیادی در اطراف نیل باعث نمو انواع نباتات آبی مانند پایروس و غیره میباشد منظره سبز و خرم اطراف اطراف رودخانه که مرکز تمدن گردیده با منظره خشك و بی آب و علف صحرای ریگزار اختلاف زیادی تولید کرده دریاچه های فراوان و مخزنهای بیحد رزیم نیل را تنظیم میکند .

فلاح مصری که در اطراف خود جز صحرائی چیز دیگر

مشاهده نمیکند بآب و خاک حاصلخیز دره نیل علاقه زیاد داشته و زندگی خود را مدیون رود میداند بطوریکه در فاصله ۳۵۰۰۰ کیلو متر مربع اطراف رود نیل ۸ میلیون نفر متمرکزند و در این وسعت تمام غذا جمعیت مصر تهیه میکرد و این ناحیه بقدری در زندگی مردم تاثیر داشته که مصریان اولیه خود را موجود زمینهای سیاه مقدس زر خیز اطراف رودخانه میدانستند نیل پس از گذشتن در کنار بیابان یعنی در کنار دریای مدیترانه تشکیل دلتائی میدهد و بهفت شعبه تقسیم میشود که تشکیل بادبزین را داده و بعدرارد دریا میشود قسمت دلتا جلگه مرطوبی است پر از باطلاق و نهر بدون برآهدگی این قسمت بنام مصر سفلی معروف است در مقابل سرچشمه نیل که مصر علیا نام دارد و از نظر آب وهوائی متفاوتند مصر سفلی دارای آب و هوای مرطوب مدیترانه ای است در صورتیکه مصر علیا دارای آب و هوای خشک مدیترانه ای است در همسایگی مصر یکی در شمال شرقی راه بطرف فلسطون وسینا بوده که در آنجا معادن فیروزه توجه مصرین را جلب میکرد و با الاغ راههای کاروانی را می پیمودند و دیگر عربستان که در شرق دریای احمر واقع و مصریان اولیه با کشتی در سواحل آن رفت و آمده میکردند و با سامی روابط تجارتی داشتند در عربستان گیاههای معطر مثل عود و ریاحین و ادویه جات و چوبهای معطر و چوبهای قیمتی مثل آبنوس و غیره وجود داشت سپس معان طلا و رودخانه های طلا دار و معادن یاقوت و صید مروارید را باید ذکر کرده و نیز دارای نواحی شکار فیل برای محصول عاج و شکار حیوانات برای پوستهای قیمتی بوده است بالاخره چمنزارها و مراتع وسیع آن برای گله داری قابل توجه است .

(صحرای لیبی) از طرف مغرب مصر اولیه با صحرای لیبی بوده در جلگه وسیع لیبی هیچ ارتفاعی وجود نداشت هیچ نوع آثار زندگی در آنجا مشهود نبود و در حقیقت ناحیه مرده ایست که در قدیم قبرستان مصریان اولیه بوده است يك خط وازی با نیل از جنوب تا شمال وجود داشت که در آنجا باغات سبز و خرمنی ایجاد شده و با منظره خشك صحرا كاملا متضاد بود این باغات نزدیک برو دنیل و در نواحی با آب مصر غربی بود در این قسمت حبوبات و میوه جات بعمل میآمد و دواب نیز یافت میشد ناحیه واحه حاصا اخیرا ام-روز زندگی ۵۰ هزار سکنه صحرا را تامین میکند .

حیوانات و محصولات مصر اولیه

در این ناحیه نباتات متنوعی نبوده ولی از هر نوع فراوان است سکنه اولیه مصر از خرما و ریش پیاز و ساق نباتات مانند پاپیروس و صدر و غیره تغذیه مینمودند این نباتات استعمال عذیده داشتند تصور می رود جو و ارزن را از آمریکای غربی بافریقا آورده باشند ولی این سه نبات را در دوره قبل از تاریخ با حامیها در مصر پیدا کردند باستانیهای خرما و درخت ابریشم اکامیا و شورکر و درخت چنار فرنگی از عربستان و شام و یمن و اقسام سرو و صنوبر و کاج از لبنان و انجیر از فلسطین و لیبی بمصر آمده است همینطور است حیوانات اهلی بر-خلاف آنچه سابقا تصور میکردند ~~مسکه~~ سك و گاو و بز و گوسفند و الاغ از آسیای غربی آمده است این حیوانات در افریقا مخصوصا در مصر اولیه وجود داشته و برعکس اسب در قرن بیستم پیش از میلاد بمصر آمده است حیواناتی مانند شغال و کفتار در نواحی مسکونی

نیل مانند ولی شیر و ببر و پلنگ و فیل در نتیجه سکونت و تمدن دره
نیل را نوك کرده و به ناحیه نیل علیا در جنوب رفته اند اصب آبی و
نهنك در آبهای نیل پیدا میشد .

مسائل آبیاری نیل

طغیان رودخانه نیل بدون کار و زحمت در مواقع معینی باعث
و فورسخته مصر میگردد و برای اینکه نیل قابل استفاده باشد بایستی دست
بشر تنظیم گردد و برای اینکه در مواقع طغیان تمام زحمات مردم
ساحل زیر آب برود لازم بود شهرها و جادها و قبرستانها دور از آب
ایجاد گردد و برای اینکه اینکار ایجاد سدها لازم بود که مانع طغیان
شود .

بایستی آبرها در مخازن ذخیره کنند تا در موقع نقصان از آن
استفاده شود و بوسیله نهرها بین اراضی تقسیم گردد و در موقعی که
آب رود کم میشد آبرادره مخازن بالا آورده و برای تقسیم بین ساکنین
مصر داخل در نهرهای فرعی میکردند تقسیم آب مستلزم عملیات دیگری
بود زیرا بایستی آب لازم در سرتاسر دره نیل باهالی برسد روی این
اصل اجرای اینکار عهد معتمدین محل بود اینست که در کتابهای
مقدس مصر از پلک دادگاه طغیان اسم برده شد و اصول آن شبیه يك
دادگاه مع ولی بوده است مطابق مقررات این دادگاه ممانعت از آب
در زمین فراوانی و یا برگرداندن آب بضرر همسایگان گناه بزرگی
شمرده میشد مصریان اولیه عقیده داشتند که مرذگان نیز در آن دنیا
تمام گارهای فلاحتی را که در حال حیات انجام میدادند (از قبیل زراعت
در آبیاری) نیز ادامه میدهند و در کنار نیل قصری بمنزله نیل سنج

تعمیه کرده بودند که ازدیاد آبها را تعیین میکرد و دستورانی جهت باز کردن مجاری یا استفاده از مخازن در موافق کم آبی صادر میشد و نیز مقدار محصول و میزان مالیات را پیش بینی و تعیین میکرد. این سازمان مستلزم کار و زحمت زیاد بود روی این اصل هرودوت مورخ یونانی معتقد است که علم جغرافیا زاده فکر مصریان است .

این سازمان نیز در مشرق مدیترانه یعنی در بین النهرین نیز وجود داشته است .

مشخصات نژادی مصریان اولیه اختلاط نژاد

نمونه‌های ماقبل تاریخ مصر زائده نکر چهار ملتی است که بتدریج بدره نیل آمده و در آنجا اقامت گزیده اند و در قرن چهارم قبل از میلاد باهم مخلوط شده اند .

۱ - قدیمترین عنصری که بدره نیل آمده اند نژاد ناجام است که شکارچی و گله چران بودند .

۲ و ۳ - دوشاخه از اول و سامیها که یکی از عربستان سعودی از راه صحرائی حما مات و دیگری از آسیای غربی از راه مدیترانه و نرعه سوئز وارد خاک مصر شدند .

۴ - عنصر کوهستانی با جمجمه کشیده از کوهستانهای قفقاز وارد خاک مصر شدند و در ۳۵۰۰ قبل از میلاد وارد دلتای مصر گردیدند این نژادها باهم مخلوط و قوم شهرنشین مصر را تشکیل داده در دره رود نیل متمرکز شدند و در مقابل آنها قوم چادرنشین بودند

که نسبت بمصریان شهرنشین اجنبی بودند •
خط و زبانت مصریان اولیه

تحولات اجتماعی با ظهور خط تصویری در مصر بظهور میرسد که حاکی از از مغز و هوش آنها است •
 خط تصویری خط تصویری خط موزار فکر بود و بوسیله تصویربری که در روی الواح میکشیدند مقاصد خود را اظهار مینمودند مثلاً در لوحی که در موزه لور باریس وجود است نمایش میدهد گاوی زیر پای خود یکی از اهالی لیبی را لگد کوب کرده است و در محوطه‌ای بادیه را هی کنگره دار حیواناتی محبوسند تصویر فوق حاکی است که پادشاه بر ملتی فاتح و محوطه زندان دژهای مستخره بوده است •

در موزه بریتانیا لوحی است که در آن تصویر شیر بزرگی زیر پنجه هایش مغلوبین لختی را که در زمین افتاده اند پاره میکند شاهین ها با بالهای تمام گسترده برای پاره کردن اجساد شتاب میکنند مرغهای دیگر چشم مغلوبین را میکنند که در اینجا شیر معروف پادشاه فاتح بر مغلوبین است این نابلو ها معروف خط تصویری است که در ابتدای ظهور خط بین مصریان اولیه معمول بوده است و معروف افکار آنان میباشد ولی پس از چندی این تصاویر کوچک شده و تبدیل به يك سری علائم کوچکی گردید که همان خط هیروگلیف مصریان اولیه میباشد ولی باید دانست که قبل از اختراع خط قدرت اوامر و فرائین آنها جنبه و فرامین و تصمیمات آنها که بمردم ابلاغ میشد شفاهی بوده و دهن بدهن بدوین نه پیر شکل منتشر میگردد

ولی باید دانست که دوام این اوامر را حکام شفاهی کم وده و پس از مدتی قلیل از بین مبرفت .

اعداد و تقویم زمان در مصر قدیم

نوشتن عدد معاصر بود با اختراع خط مصریان برای فرا گرفتن اعداد از يك تا ده از انگشتان دست استفاده میکردند ده علامت تازه ای داشت و با تکرار دهها که تا نود نوشته میشد صد هزار و ده هزار و ملیون علامت علیحده ای داشت در تقویم زمان سال علامت میزه آن رك خرما بود زیرا خرما درختی است که هر ساله بر روی برگهای سال قبل باندازه يك بنه نمو میکند و همه ساله نشانه ای بر روی ساقه درخت باقی میگذارد با علامت هلال ماه را تعیین میکردند و روز با علامت صفحه خورشید تعیین میشد که درازده ساعت شب و دوازده ساعت روز تقسیم میشد و هفته وجود نداشت ولی نصف ماه و دهم ماه وجود داشت که اعیاد مذهبی را جشن می گرفتند تعیین فصول بستگی داشت بوضع طغیان آب نیل زیرا با طغیان رود نیل فصل گرما شروع میشد و طول هر فصل چهار ماه بود .

رژیم قبیله ای در بین مصریان قدیم

در مصر اولیه هر خانواده در تحت اطاعت يك پدر و یا يك عضو از افراد خانواده بسر میبرد زیرا سازمان خانواده بيك سازمان اجتماعی مكملي برای اطلاق میشد که جدید تر و بعد از قبیله وجود آمده بود .

انتخابی که خود را متساب بيك قبیله نموده و دور هم گرد می آمدند بین خود يك نوع رابطه خویشاوندی قائل بودند با اصطلاح

به عنوان برادر یا خواهر یا عم و همدیگر را نمی شناختند و افراد يك قبیله ممکن است از جا های مختلف در هم جمع شده و برای اتحاد خود علامتی را انتخاب نمایند سازمان قبیله با وضعیت چادر نشینی وفق میداد قابل اجرا بود ولی با معتقدات و محدودیت های شهر نشینی این رژیم مجبور است تحولات زیادی پیدا کند مادامیکه قبیله ای بحال کوچ نشین است میتواند زندگی خود را با تغییر مکانهای دائمی که مستلزم زناشویی دور و خارج از قبیله است وفق دهد ولی در شهر نشین این قاعده از قوت خود کاسته و وصلت در بین افراد يك قبیله و حتی خویشاوندان نزدیک را مجاز مینماید .

حقوق یک نفر شهر نشین در ممالکی مثل مصر و بین النهرین که طبیعت سکنه آنجا را بر رژیم استبدادی آب و افتاب محکوم ساخته است مشخص است و چون منافع اجتماعی تمرکز قدرت را ایجاب میکرد کم کم حقوق شیوع حکومت شیوخ نیرومند شده و یک نفر رئیس در قبیله برای نظارت در امور اجتماعی قبیله پیدا میشود در قبیله ای که بچندین خانواده تقسیم میشد مرد نسبت بزن رجحان پیدا کرده بود کارهای اجتماعی بوسیله خانواده و توسط عمر آن اداره میشد فکر مالکیت وارث جزء عادات شده و برای قبیله رئیسی انتخاب میکردند و برای وی قدرتی که جنبه مذهبی داشت قائل بودند و این روسا که ابتدا انتخابی بودند پس از چندی موروثی گردیدند .

مراسم مذهبی قبیله - خدای قبیله

در دوران تاریخی مردم مصر مطابق عقیده ای که در آن زمان داشتند مانند غالب ملل اساس مقررات و زندگی خود را بیک آفریننده

دنیا نسبت میدادند سلاطین اولیه آنها خدایان بزرگ عالم بودند که در آفتاب و زمین و آب و غیره مجسم میشدند این عقیده تنها مربوط به مصر نبوده بلکه در تمام جوامع بدوی مانند استرالیا و بین‌النهرین و آفریقا عمومیت داشته است علمای جهان نشان داده اند که در بین ملل اولیه اساس قدرت غالباً اسرار آمیز بوده و غالباً مربوط بیک نیروی مقدس بوده است که منشأ تمام حیات و قدرت بشمار میرفته است ، و احترامش واجب بوده است که آنرا Manor میگویند این قدرت به خداوندان تعلق داشته و این نیرو در طبیعت موجود بود و در بعضی اشیاء یا موجودات متمرکز میشده که آنرا توتم مینامیدند کلمه توتم بمعنی علامت است و مخصوص لهجه های سرخ پوستان نواحی شرقی آمریکا است .

برای توتم قدرت بی چون و چرائی قائل بودند و این قدرت غالباً محلی بوده و بیک قبیله تعلق داشته است این علامت ممکن است يك حيوان یا يك نبات یا يك شخص یا يك شیئی باشد که آنرا بعنوان توتم یعنی بعنوان اینکه نیروی مانادر او است پرستش میکردند اثرات پیروی از مانا و توتم که خدای قبیله بود شامل افراد آن قبیله بوده است و هیچ نوع تأثیری در روی قبایل دیگر نداشته است و این توتمها رقیب یکدیگر بودند احترام از يك توتم در يك ناحیه مخصوص آن ناحیه بوده است و پرستش آن توتم در نواحی دیگر قدغن بود .

در يك قبیله افراد آن خود را بنام چیزی یا حیوانی که توتم نام داشت مینامیدند و آنرا روزی دهنده و حامی قبیله میدانستند

و او را پرستش میکردند و کشتن یا خوردن توتم را جایز نمیدانستند.

دیگر اینست که افراد يك قبیله قائل بودند که توتم در خون زنهای قبیله وارد شده است و آنها را آستان کرده است و این عمل عریضه بزن و شوهری نیست روی این اصل تمام افرا قبیله خود را با یکدیگر خویشاوند میدانستند توتم مالك امرتاب قبیله بود و اختیارات مفرد روی افراد و اموال قبیله ذاتی است. اجتماع این مشخصات اینست که اولاً از لحاظ توالد و تناسل که توتم در خون زنهای قبیله وارد میشده همگی با هم خویشاوندند تا آنجا اینست که حق افراد قبیله متملك و از آن یکسان میباشد در انجام امور اجتماعی يك شورای معبرین وجود دارد که کارهای قبیله را اداره میکنند این شورای نمیتوانست رئیس انتخاب کند و معتقدند که این رئیس قادر است که الهام و تلقین توتم را درك نماید بعضی اوقات برای اینکه زنیکه وسیله توتم قبیله آستان میشود يك نوع امتیازی قائل میشدند و این زن میتواند قدرت خود را نسبت با اهالی قبیله محرز نماید در نتیجه تحولانی که در قبیله شد و غوغائی که در بین اجتماعات گردید خدای قبیله نیز تحول یافت هر شهر و هر ناحیه ای دارای يك نوع خدائی بودند و رژیم شهرنشینی که قدرت در دست یکفر رئیس مباحثه و خدای قبیله با او رابطه داشت این خدای قبیله بعدها بموضع قبیله متعلق بشخص پادشاه بود و خدای سلطنتی نامیده میشد و پادشاه از این بعد رابطه خود را با رعایا قطع میکرد و پادشاه خود جانشین و پسر خداوند میدانست و خداوند دور از انظار در معبد قرار داشت و در

مواقع معینی خداوند بیش بینی میکرد و شخص و غون آنرا تعبیر مینمود و بعدا فراغه اسمای خود را تغییر داده و همان اسمای خداوند را اختیار نمودند مانند پادشاه **ك** **ك** یا پادشاه شاهین یا پادشاه زنبور و اسمای حیوانات آسمان اسمای خداوندان مقدس بودند که مورد پرستش عمومی قرار گرفته بودند.

باید دانست که اینها خدایان سلطنتی بودند که در پایتخت قرار داشتند و هر شهر نیز خدای جداگانه ای داشت که مورد پرستش اهالی آن شهر بود.

سازماندهای اجتماعی مصر اولیه در زمان فراغه

حکومت فرعون من جانب اله بود و يك قدرت مطلق در تمام مصر حکمفرما بود و اوامر وی بوسیله نمایندگانش در سراسر مصر قدیم قابل اجراء بود و در هر شهری نماینده پادشاه که مجری اوامر وی بود حکومت میکرد این نمایندگان از اطرافیان فرعون و ووداطمینان وی بودند و بنام فرعون مجری قدرت او در آن شهر بودند و هر **حاکمی** با کاره‌مدان خود در امور کشاورزی و کارهای صنعتی نظارت میکرد و دو موقع برداشت محصول و مواد کشاورزی و انبیاء ساخته شده توسط نمایندگان فرعون جمع‌آوری و در انبارها نگهداری میشد و در هر شهری يك شورای مجلی وجود داشت که از معتمدین و متنفذین تشکیل و بکارهای فلاحی و صنعتی و تنازع فیه رسیدگی می‌کردند حفظ سرحدات مصر بعهده یکمده قشون داوطلب بود که بحمل خود وارد قشون فراغه میشدند ولی اصولا قسمتی از بوجه کشور صرف نگهداری و اداره قشون بود و فرماندهی قشون در دست شخص فرعون

بوده است .

امادر عمل هر قسمت روسای مسئولی داشت هر شـمـر نسبت
بوسعت و جمعیتش سر باز اعزام میداشت و فقط در مواقع روز جنگ
بسیج عمومی داده میشد و از حیوانات برای حمل محمولات نظامی
استفاده میکردند .

مالکیت ارضی در مصر وجود نداشته و تمام اراضی مزروعی تعلق
بفرعون داشت و عموم برزگران برای شخص فرعون کار میکردند
اراضی توسط برزگران کاشته شده و مواد زراعتی و محصول کشاورزی
نوسط نمایندگان فرعون به انبار سلطنتی برده میشد و مقداری از آن
بکشاورزان برای مایحتاج داد میشد علاوه بر عده برزگران عده ای
در کارگاه های سلطنتی مشغول کار بودند و نیز عده ای در ساختمانهای
سنگی و معماری انجام وظیفه میکردند این کارگران بخرج دولت کار
میکردند و پدر به پسر اسرار صنعتی خود را مباحث و در حقیقت کاور
خود را بارت می گذاشت داد و ستد جنس بجنس بود و از تجارت از
طریق مواضع اجناس صورت میگرفت محصولات زراعتی و صنعتی در
انبار های دولت ذخیره میشد و قبل از اینکه این محصولات باین انبار
ها برسد در هر شهر و مرکزی مقداری از آنرا بامر فرعون بزارعین
و صنعتگران میدادند و مابقی را در انبار های سلطنتی ذخیره میشد .

قدرت فرعون با اختیارات خداوند

فراعنه در مصر قدیم خود را مربوط بخداوند آفتاب میدانستند
و خود را نماینده خداوند دانسته او امری از طرف خداوند صادر میکردند
و با قدرت مطلقه سلطنت میکردند پادشاه تنها تصمیم میگرفت و

تنها تصمیم خود را اجرا میکرد هیچگونه ارزشی برای رأی و نظریات دیگران قابل نمیشد ولی در عمل نمایندگی از میان خانواده خود و از خویشان خود که مورد اطمینان خاص فرعون بودند انتخاب میکرد.

فرماندهی و قضاوت پایه و اساس قدرت سلطنتی بود و فراغه قوانین و مقررات مربوط به حقوق اجتماعی را هر روز بدخلخواه خود تغییر میدادند آنچه فرعون اعلام مینمود قابل اجرا بود حق آن بود که فرعون درست داشت و ناحق آن بود که فرعون از آن نفرت داشت بقول ارسطو امپراطوری قدیم مصر بهترین شکل حکومت استبدادی بشمار میرفت.

داشتن مأمورینی از جانب فرعون بمنزله شرکت در اسرار دربار سلطنتی بود و از آنجا است که فرعون مأموریت های بزرگ را باشخاص مورد اطمینان میسپرد کارهای مذهبی بدست فرعون انجام میگرفت با کارمندان و اشخاص نتوانند در کارهای خداوند و اسرار مذهبی شرکت نمایند قسمتی از اراضی را فرعون باشخاصی که ممتاز بود و مورد توجه فرعون بودند واگذار میکرد که بارث فرزندان و بازماندگان آنها میرسید زیرا عقیده داشتند که فرعون در آن دنیا نیز سلطنت کرده و دارای اخلاق و درباری میباشد.

در موقع تاجگذاری فرعون پس از تدفین با روغن مقدس و وظایف سنگین سلطنتی را بعهده میگرفت فرعون یکمرتبه باتاج سفید که مخصوص حکومت بر مصر جنوبی است تاجگذاری مینمود و با عصای سلطنتی که داشت بتخت سلطنت می نشست و همین عمل را نیز باتاج

قرمز که مخصوص حکومت بر مصر شمالی بود تکرار میکرد باید دانست که در امور سلطنتی هند پتری بعنوان مہر داریت وزیر کہ ہر يك شغل مخصوصی داشت در کارها بفرعون کمک میکردند .

معماری و حجاری

فراعنه معتقد بودند کہ با گرفتن جشن و مراسم مذهبی قوای خرد را تجدید کرده و مرکرا بتاخیر خواهند انداخت و بساختمان قبور معظم و زوال ناپذیر و نیز ساختن مجسمه ها حیات مردگان را تجدید کرده و باین وسیله بر مرک غلبه خواهند نمود و نیز معتقد بودند کہ فراعنه دارای زندگی ابدی خواهند بود و فرعون همانطور کہ در این دنیا دارای درازی معظم میباشد در آن دنیا دارای دربار مجلل خواهد بود و دارای زندگی میباشد از این لحاظ مقداری از ذخائر سلطنتی کہ در تحت رژیم مطلق و من جانب الہ از نودہ مصر عاید میکردید صرف معماری و بنای مقابر معظم و شکفت آوری گردید کہ تا بہ امروز شهرت عظمت آن نہ تنها در مشرق زمین بلکه در تمام کرہ منتشر گردیدہ است و همین معتقدات مذهبی موجب تحولات و ترقیات در فنون معماری و حجاری در مصر گردیدہ است .

ساختمان و مفهوم قبور فراعنه

بطوریکہ از افسانہ های قدیم مصر کہ دربارہ فراعنه نوشته اند برمیآید مصریان معتقد بودند کہ فرعون نیز پس از مرک در آن دنیا سمت فرماندهی را داراست و نیز عقیدہ داشتند کہ بابرقراری بکنوع رسوم و تشریفات میتوان بر مرک غلبہ کرد در حقیقت ساختمان ابنیہ مصر و قبور سلاطین محصول و مصنوع يك عقیدہ بود و در ساختمان

آن پادشاه ورعیت يك نسبت سهیم بوده اند و نتیجه ساختمانها نتیجه و نماینده قدرت فرعون است تقریباً تمام ملت مصر در کنار بنای قبور سلطنتی مشغول بودند عده ای در کار ساختمان عده ای در ساختمان عده ای در معادن سنك کار میکردند بعضی برای انجام حمل و نقل سنگها در روی زمین و آب بکار گمارده میشدند مثلاً ساختمان يك راه شوسه ای برای حمل و نقل سنك بمحل معین ده سال بطول انجامید .

وضع ساختمان این قبور و اهرام قدما و متجددین را شکفت آورده است ولی چیزی که بیش از همه قابل تمجید است قطع احجار و جفت کردن آنها است که از حیث دقت با کارهای عماله جاتی که امروزه الناس یا بلور را تراش میدهند برابری میکنند بطوریکه پس از پنج هزار سال هنوز با برجا است .

ساختمان این اتیمه سلطنتی که توسط نوده مصر انجام یافته نمونه ایست از قدرت احساسات مذهبی و معتقدات دینی که ملت مصر بفرعون که جنبه خدائی داشت داشتند و همان نیروی ایمان افراد و توده مصری بوده است که چنین ساختمانهای با عظمت و محیر العقول را بوجود آورده است .

مسئله دیگر امر حیات پس از هرك بوده که برای فرعون قابل بوده اند و میخواستند همانطور که فرعون در این دنیا دارای درباری مجلل است در آن دنیا نیز دارای دستگاہی معظم و زندگی مجللی باشد .

قبور سلطنتی از قسمتهای مختلفی تشکیل یافته بود که هر يك برای منظوری ساخته شده بود .

۱ - مقبره زیر زمینی که محوطه‌ای بود برای نگهداری جسد

نعمیه شده بود •

۲ - غیر از مقبره يك محل تنك و دراز بصورت سرداب مانند

در کنار مقبره ساخته بودند که مخصوص نگهداری مجسمه های متوفی بود •

۳ - معبدی برای انجام مراسم مذهبی و گذاردن هدایا که در

قسمت شرقی مقبره ساخته شده بود و خویشاوندان و دوستان متوفی بدانجا دسترسی داشتند •

۴ - در قسمت خارجی مقبره نمای خارجی بنا بود که بصورت

هرمی آخته شده بود و نهایت دقت در ظرافت و استحکام این بنا بکار میرفت •

این بنا ها ابتدا بوسیله خشت ساخته میشد ولی کم کم سنگ

تراشیده که نمونه ترقی سبك معماری است در اینیه و قبور سلطنتی بکار رفت •

طرز مومیائی اجساد و محافظت آنها

برای اینکه حیات ابدی مردگان تأمین شود باید جسد را بدون

فاسد شدن نگهداری نمود گرچه در آب و هوای خشك مصر جسد

طبیعتاً خشك شد و استخوان در مقابل پوسیدگی مقاومت میکنند بـ

وجود این فکر بهتر با اختراع وسائلی بعمل طبیعت كمك میکرد و با

اختراع مومیائی كردن اجساد مردگان را بدون فاسد شدن نگهداری

میکرد برای اینکار لازم بود که ابتدا احشاء جسد را خالی کرده و

در ظرفهای مخصوصی نگهداری نمایند سپس جسد را در محلولی قرار

میدادند که چرمهای بدنش حل شده و ضد عفونی شده و بعد داخل جسد را با موادی اندود کرده و برای جلوگیری از نفوذ هوا یکرته از نوارهای نازک دور جسد می‌پیچند و فور مولهای مخصوصی برای محافظت آن می‌نوشتنند بطوریکه جسد عملاً بوسیله سحر و جادو فساد ناپذیر شده و ظاهراً بشر کامل شود .

دیگر اینکه انواع و اقسام مجسمه‌هایی شبیه بمرده تهیه میکردند و آنها را بالباسهاییکه در حال حیات میتوشیده، لباس میکردند و معتقد بودند که حجار و مجسمه ساز بمرده حیات بخشیده و وی را از نو وجود می‌آورد و با ادای مراسم و تشریفات مذهبی معتقد بودند که حیات ورده را تجدید خواهند کرد .

معابد خدایان

از این معابد امروز اثری باقی نمانده ولی از روی ساختمان اهرام و مقابر آنها میتوان قضاوت نمود بطور کلی این معابد دارای دو قسمت بود قسمتی مخصوص اجرای مراسم عمومی بوده که معتقدین بدانجا دسترس داشتند قسمت دیگر محرمانه بود که فقط پادشاه و کهنه اجازه ورود بدانجا را داشتند .

طرح این معابد عبارت بود از :

- ۱ - يك محوطه بزرگی با مدخل بزرگ
- ۲ - يك سالن مخصوص به مجسمه خدا که در آنجا خدا بار حضور داده پیشگوئی نموده خدای خود را در روی میز مخصوص سیر میکرد است .
- ۳ - يك اتاق بدین روزنه مخصوص اطاق خواب خداوزن و

پسرش که فقط دارای يك در بوده .

انجام مراسم مذهبی توسط شخص فرعون انجام میشد و چون تصور مینمودند، که خدا و خانواده اش در معبد زندگی مینماید لذا تم مایحتاج او را از قبیل اغذیه و وسائل نظافت و لباس و غیره تهیه میکردند ولی چون حقیقتاً خدا قادر با استفاده آنها نبود کهنه روحانیون آنها را مورد استفاده قرار میدادند اصولاً مقدار پیشکشها و هدایائی که برای خدا از طرف مردم داده میشد خیلی زیاد بود مثلاً چون ظهور حوادث جوی و حوادث غیر مترقبه را دلیل بر غضب خدایان میدانستند به نذر و نیاز و صدقه و دادن هدایائی برای خداوند معتقد بودند که از غضب او کاسته و نیز از ظهور حوادث جوی و غیر مترقبه جلوگیری خواهد شد .

باید دانست که در جامعه مصری این روحانیانها و کهنه بودند که موجب فساد جامعه مصری میشدند و باترویچيك سلسله معتقدات بی اساس که عاری از حقیقت بود اذهان مردم را بسوی بت پرستی متوجه ساخته و آنها را بانجام وظائف و تشریفات مذهبی در معابد برای تأمین منظورهای شخصی خود و امید داشتند و قومی را از جاده حقیقت منحرف ساخته و از سیر تکاملی و پیشرفت آنها جلوگیری میکردند .

بخش سوم

تمدن اولیه . در سوریه و فلسطین

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی سامیها

و فنیقی ها - تجارت برده

وضع جغرافیائی

ناحیه سوریه و فلسطین در قسمت شرقی دریای مدیترانه واقع شده است که از طرف مشرق محدود است به رود فرات بین النهرین و از مغرب به دریای مدیترانه در قسمت شمالی ترکیه و در قسمت جنوبی آن عربستان و دریای احمر قرار دارد و از طرف جنوب غربی به بیابان سینا در شمال بحر احمر محدود میگردد که راه بین سوریه و مصر میباشد در این ناحیه اقوامی بنام سامیها در قرن سیام قبل از میلاد زیست میکردند و دولتهای کوچکی تشکیل داده که خیلی دیر استقلال و حیات سیاسی پیدا نمودند و همواره بدون هیچ نوع اتحادی از یکدیگر مجزا بودند و اغلب تحت سلطه همسایگان خود اداره میشدند.

مشخصات نژادی

اعراب و سامیهای اولیه دارای سری باریک و کشیده و بینی باریک و چشمان سیاه و بادامی و زلفان دراز و دارای ریش نوک تیزی بودند عربها چادر نشینان لخت و ناقه سواری میکردند و بعضی لنگ کوناهای دور کمر پیچیده و با کمر بندی نگهداری میکردند اکثریت قدیمترین سکنه از فرات تا مدیترانه از نقطه نظر اخلاقی و اجتماعی و استقامت آنان تا با امروز نژاد سامی تعلق داشته است این نژاد از نظر اجتماعی و مذهبی دارای تمدنی خاص در دوره های ماقبل تاریخ میباشد که مورد توجه میباشد قسمتی از این نژاد در نواحی کوهستانی سوریه زیست میکردند که دارای آب و هوای کوهستانی بوده که در موقع برودت سرما جابه پشمی گرمی برتن میکردند برای برهنه نبودن و دارای

کشفهای چرمی بودند و بعضی دارای سیبل و زیش کوتاه بودند و قسمتی از سامیها در عربستان متمرکز شدند که این ناحیه دارای آب و هوایی گرم بود و این قسمت از نژاد سامی در اطراف واحدهای عربستان و کناردریای احمر متمرکز شدند و جامه های نازکی بر تن داشتند اختلاف محیط و نواحی مختلف جغرافیائی در شمال و جنوب موجب پیدایش شعبه های مختلف نژاد سامی گردیده است .

در شمال و جنوب شعبه های کنعانی و آرامی و عمرانی و یهود زیست میکردند و در جنوب و سواحل شرقی بحر احمر اعراب ساکن بودند .

بخش شدن در نواحی مختلف کوچک بدون حد طبیعی و استقرار در يك ناحیه و سکونت در ناحیه تازه پس از مدتی و بالاخره مهاجرت دائم يك ملت برای بدست آوردن محل مسکونی مناسب یکی از مشخصات مخصوص سامیهاست وجود سحرای سوریه و ارتفاعات این ناحیه این ملت را به پراکندگی و چادر نشینی وادار نموده و يك فرصت ناپایداری در زندگی آنها ایجاد کرده بود و دائماً جهت امرار و معاش از ناحیه ای بناحیه دیگری کوچ میکردند و همیشه بایکدیگر اختلاف و نزاع داشتند و زندگی چادر نشینی خود ادامه میدادند بطوریکه مصریها زندگی اعراب را بطور مزاح بدین نحو تعریف میکردند ((آسیائی بیچاره در مملکت دیواری که طبیعت همه گونه اشکالات را فراهم کرده است و اختلاف وضع طبیعی مانندن در يك جارا برای او غیر مقدور ساخته است مجبور است که برای ادامه زندگی دائماً در تلاش باشد)) معلوم است که این طرز زندگی که وابسته بطرز طبیعی است يك روح

نا بایداری و يك زندگى نا ثابتى را براى مللى كه در اين نقاط زندگى
 ميكنند ايجاد مينمايد موانع طبيعى كوهها فلات ها و زندگى در اين
 ناحيه يك نوع زندگى ايلانى و خانه بدوشى و چادر نشينى ايجاد مينمايد
 كه بشر را بماندن در يك جا ببيعلاقه نموده و كوچ نشينى را اختيار
 مينمايد .

زندگى ساميهها نمونه اى از اين طرز معيشت بود و بچادر نشينى
 روزگار ميگذرانيدند در مقال اين طرز زندگى بايد وضع زندگى مصريها
 را در نظر گرفت كه طبيعت براى آنها ناحيه محدودى را در اختيار آنها
 گذاشته كه براى هميشه در آنجا سكونت اختيار نموده و زندگى آرام
 شهر نشينى را ادامه ميدهند با اقوام سومرى كه در بين النهرين بتشكيل
 نخستين تمدن نائل گشتند در سر زمين حاصلخيزى در بين رودخانه هاى فرات
 و دجله زندگى شهر نشينى خود را ايجاد مينمودند و بتشكيل حكومت
 هاى متعددى نائل شدند و رابط خود را با ملل هم-ايه برقرار ساختند در
 صورتيكه وضعيت طبيعى در ميان ملل آسيائى عناصر مهاجر جنگجو
 بوجود آورده است كه دائما براى بدست آوردن زندگى يوى در
 تلاش ميباشند .

عادات اجتماعى ساميههاى اوليه

تأثيرات زندگى كوچ نشينى تا امروز نيز در سازمانهاى ساديه
 مشهور ميباشد .

عادات اجتماعى ساميههاى اوليه و همچنين مراسم مذهبي آنان
 كه بعداً ذكر خواهد شد تمدن اين اقوام چادر نشين را تشكيل ميدهد
 كه با اينكه از آن تاريخ مدنيتها ميگذرد و باوجود تحولات اجتماعى كه

تاکنون بوقوع پیوسته و همچنین با وجود بالا رفتن سطح فرهنگ عمومی و تغییرات زمان و محیط هنوز قسمتی از این عادات اجتماعی و تمدن سامی و عادات چادرنشینی تا با امروز باقی مانده و در بین اجتماع ما آثار آن دیده میشود بطوریکه قسمتی از خرافات اجتماعی و مذهبی که هنوز در بین ما ایرانیان باقی مانده است یادگار قوم چادرنشین مذکور میباشد و نمونه ای از طرز تمدن سامیهای اولیه ماقبل تاریخ را بیاد میآورد.

کوچ نشینان سامی عموماً بکار شکار و گله چرانی مشغول بودند و رژیم اجتماعی آنها نهایت ساده بوده است و برای بدست آوردن دشت های حاصلخیز و یافتن چراگاههایی جهت گله های خود باطراف کوچ میکردنی و از شکار حیوانات معاش خود را تأمین مینمودند در خانواده سامی زیست خانواده باید بر بوده است و افراد خانواده دور پدر جمع میشدند و امور قضائی و مذهبی بعهده رئیس قبیله بوده است که از بین معمرین افراد قبیله انتخاب میشود اصولاً اداره يك خانواده توسط رئیس خانواده که پدر باشد انجام میگرفت و و امور خانواده بعهده رئیس خانواده بوده است و امور خانوادگی تهیه غذا، تعلیم و تربیت افراد خانواده توسط مادر خانواده انجام میشد افراد يك خانواده نسبت بیکدیگر اتحاد خوبی داشتند که از طریق ولادت انجام مییافت همان قرابتی است که امروز بین برادر و خواهر و سایر افراد خانواده میباشد ولی از قبیله و خانواده سامی رسم چنین بود که اگر يك نفر از قبیله بیگانه میخواست وارد قبیله دیگری شود مراسم اتحاد خون انجام مییافت بدین طریق که نقطه ای از بازوی فرد بیگانه قبیله را بریده بهم میبستند

و بدینوسیله تبادل خون عملی میگردید این اتحاد از طریق معاوضه خدا انجام میشد زیرا افراد يك قبیله نسبت باآزار قبیله دیگری بیگانه بودند هیچ نوع قرابتی در بین دو قبیله دیده نمیشد چنانکه اگر اختلافی بین یکی از افراد قبیله دیگر رخ میداد منجر به نزاع دائمی بین آن دو قبیله میگردید و در نتیجه جنگهای خونین بوقوع می پیوست مهمان نوازی از عادات پسنديده قبایل سامی بود چنانکه اگر فردی از قبیله ای وارد قبیله دیگر میشد مورد نوازش و مهمان نوازی افراد قبیله قرار میگرفت ضمناً فرد مهمان موظف بود که مانند افراد قبیله رفتار نماید و عادات اجتماعی و مراسم مذهبی آن قبیله را انجام دهد و مهمان نوازی که در اسلام نیز باقی است و جمله مهمان حبیب و دوست خداست که در بین مسلمین رایج است از آناد و عادات اجتماعی سامی هاست که تاکنون باقی مانده است و بما رسیده است نام قبیله اصولاً از نام خدای قبیله اتخاذ میگردد و این نام نام دائمی آن قبیله بود ولی در اثر تحولات اجتماعی و ظهور اسلام نام قبیله از نام رئیس قبیله اتخاذ میگردد مانند قبایل بنی اسد و بنی هاشم رئیس قبیله مالک افراد قبیله و دارائی قبیله بود و رئیس قبیله نیز مالک زن و اولاد بود بدین لحاظ حق حیات و مرگ نسبت باولاد و زن از حقوق رئیس قبیله بوده است زنها هیچگونه آزادی نداشتند و تحت فرمان خاص رئیس خانواده بودند و حق حیات از آنها گرفته شده بود این عادات ناپسند امروز هم با يك تغییری در اجتماع فعلی مادیده میشود و آن اینست که رئیس خانواده یا شوهر در قبایل سامی حق کشتن زن و اولاد را داشت و میتوانست آنها را قربانی نماید ولی امروز در اجتماع ما این حق

از آنها سلب شده است ولی زنها آزادی نداشته و نمیتوانند در اجتماعات دوش بدوش مرد یا رئیس خانواده ~~سوار~~ کرده و در اجتماع با آنها همکاری نمایند .

((در ممالک اسلامی زنها تحت اوامر شوهر و رئیس خانواده خود میباشند و بدون اجازه نمیتوانند در کارهای اجتماعی شرکت نمایند))
 رئیس خانواده د قبائل سامی بطوریکه گفته شد حق حیات و مرگ نیز نسبت باولاد خود داشت و در مواقع ضرورت برای جلب رضایت خدای قبیله یکی از فرزندان خود را در راه او قربانی میکرد این رسم بطوریکه گفته شد در بین قبایل اولیه مصریان دیده شد که در مواقع غضب خدایان یا بروز آثار غیر مترقبه یکی از فرزندان خود را تقدیم بیشگاه خدای قبیله مینمودند یا در راه او قربانی میکردید ولی این رسم بعدا تحولی پیدا کرده است که در اجتماع آنروز دیده نمیشد و آن اینست که بجای قربانی فرزندان قربانی حیوانات را اختیار میکردند و برای جلوگیری از بروز آثار غیر مترقبه یا حوادث جوی گوسفند میکشتمند یا گاوی را ذبح میکردند یا برای سلامتی افراد خانواده به نذر نیاز و قربانیهای متعدد میپرداختند امروز نیز در اجتماع این عادت بشکلی دیگر باقیمانده است مثلاً موقع بیماری یکی از افراد خانواده حیوانی را قربانی کرده و یا بعضی خرافات دیگر را که نمونه ای از عادات اجتماعی سامیما بوده است اجرا مینمایند در اروپا در بین اجتماعات خرافات نیز حکم فرمامت و با اینکه اروپاییان نسبت بهما از لحاظ فرهنگی و علمی پیشتر میباشند با وجود این مقداری خرافات در بین اجتماعات اروپایی موجود است .

این خرافات بیشتر بوسیله کشیشان قرون وسطی در بین اجتماعات اروپائی معمول گردیده است ولی در اجتماع مابین خرافات خیلی زیاد است و بالا بردن سطح فرهنگ عمومی باید از انجام آن جلوگیری نمود هنوز خانواده هائی در ایران یافت میشوند که بدستور این و آن برای رفع و جلوگیری از امراض و حوادث غیر مترقبه بانجام خرافات میپردازند و بجای مراجعه به پزشك حادثی بدستور کاشوم ننه ها رفتار میکنند برای مثال یکی از آنها را برای شما ذکر میکنم در خانواده یکی از توانگران ایران در یکی از شهرهای مذهبی چند سال قبل طفلی سیاه سرفه گرفت و بجای مراجعه به پزشك حاذق بمعجزه ای التیاء بردند دستور داد يك مرد سیاه بر اسب سیاه سوار شود و چند مرغ سیاهی را دنبال کند تا یکی را که از پای درآمد گرفته خون او را بطفل بدهند دستور فوق اجرا شد ولی نتیجه ای نداد و طفل بهلاکت رسید .

بردگی از عادات ناپسندی بود که در بین آنها مرسوم بود و تا قرن هجدهم بعد از میلاد معمول بود ولی بردگی بصورتی که در بین سامیها متداول بود خیلی ناپسند تر و زشت تر بود زیرا سامیها در مقابل قرض خود و عمل خلافی که از فرزندان میدیدند آنها را میفروختند و از افراد قبیله دیگر خریداری میکردند ولی در اجتماعات بعد از میلاد مسیح بردگی نسبت بقبایل و افراد خارج از خانواده صورت میگرفت و رئیس خانواده حق خرید و فروش اعضاء خانواده خود را نداشت وضع بردگی در مورد ازدواج هم دیده میشد بطوری که اگر یکی از افراد قبیله از قبیله دیگر خواستگاری مینمود میبایست بمبلغی بمالك دختر

یعنی پدر او پردازد و او را بقبیله خود میبرد و ضمناً همه گونه اختیار نسبت بآن زن داشت و در مواقع رهایی آن اگر خود قیمت او را بپرداخته بود بار میداد و او را رها میساخت .

امروز در اجتماع ما وضع ازدواج بدین صورت است که مبلغی را بعنوان مهریه تعیین میکنند که مقداری از آنرا شوهر یا رئیس خانواده میپردازد و چنانچه اختلافی بین زن و شوهر روی دهد که منجر بامر طلاق شود از یکدیگر جدا شوند بقیه مبلغ را شوهر یا رئیس خانواده میپردازد و مقدار مهریه بستگی بشخصیت زن داشته و کم و زیاد میشود و علاوه بر آن تشریفات ازدواج بقاری زیاد شده است که عده ای از جوانان نا مادی که از عهده پرداخت مهریه بر نیامده و قادر بانجام تشریفات ازدواج نباشند از اقدام بامر زناشویی خودداری مینمایند .

وضع مالکیت در بین سامیها - اوری بود که نظیر آن در اجتماع مادیه میشود و عبارت بود از مالکیت خصوصی املاک و دارائی قبیله و خانواده تعلق به رئیس خانواده داشته و پس از مرگ او بین افراد خانواده تقسیم میشد با این تفاوت که پسر ارشد حق ارشدت داشت و بیشتر از دیگران ارث میبرد در صورتیکه پسر کوچکتر ارث کمتری را داشت امروز در اجتماع مسئله وراثت با تغییری که یافته نمونه تمدن سامیه است با این اختلاف که پسر دو برابر دختر ارث میبرد .

اداره قبیله و خانواده بعهده رئیس خانواده بود و تمام امور خانوادگی چنانکه گفته شد بوسیله رئیس خانواده انجام میشد و ضمناً رئیس قبیله یا شمع قبیله وجود داشت که امور مربوط بقبیله تحت نظر او انجام میشد و در امور مذهبی و اجتماعی قبیله اظهار نظر میکرد در

عمل باید گفت که شورائی از معمرین خانواده ها تشکیل میشود که کارهای اجتماعی قبیله تحت نظر او انجام مییافته و اختلافات قبیله را بر طرف میساخت و مقرراتی جهت قبیله وضع میکرد.

مراسم مذهبی سامیهای اولیه

رابطه ظاهری اتحادیه های صحرائشین و شهرنشین بایکدیگر در معتقدات و افکار آنها نسبت به خدا و آداب مذهبی ظاهر میکرد اصول مذهبی و مراسم آن در نزد سامیها نهایت ساده بوده است و در خور صحرائشینان و اجتماعی بدوی آنهاست ترقیات باستان شناسی و تحقیقات علمی از طرف علماء و باستان شناسان ثابت نموده است که سامیهای اولیه بانواع متعدد خدایان و مقدسات معتقد بودند.

سامی چادر نشین که در صحرا زندگی میکرد دائما خود را در معرض خطر میدید و چون در مقابل حوادث طبیعت همواره اضطراب داشت تصور میکردند که دنیا علاوه بر خدایان بوسیله تعداد زیادی ارواح بی اسم مانند جن و پری اداره میشود و معتقد بودند که این ارواح را باید بوسیله جادوگران یعنی جادو و طلسم مغلوب کرد بطوریکه هنوز پس از چند هزار سال در اجتماع امروز ما عده ای بوجود جن و پری معتقد بوده و بعضی از امراض را بعلت وجود ارواح مذکور در جسم انسان میدانند و معتقدند که با وسائل دعا و طلسم میتوان ارواح مذکور را مغلوب کرد و از خود دور ساخت و این یکی از نمونه عادات سامی است.

در سه هزار سال قبل از میلاد که هنوز در اجتماع ما این عادات وجود داشته و باید ریشه کن گردد.

سامیها غیر از وجود ارواح مذکور بخدایان متعددی که میگفتند نظم عالم بوجود آنها بستگی دارد معتقد بودند و عقیده داشتند که این خدایان درستارگان واحجار و بادها و آبها و نباتات و حیوانات ظاهر میکردیدند این خدایان سامیهای اولیه غیر مرئی بودند و هر قبیله دارای خدایانی بود که حامی و روزی دهنده آن قبیله بشمار میرفتند و از ادای قبیله بنام آن خدا موسوم میشدند مانند بنی اسرائیل و بنی یعقوب و غیره در مواقع قحطی و شکست و مصیبت بوسائل قربانی بچه های خود از غضب الهی که نتیجه اش همان شکست و مصیبت و قحطی بود جلوگیری میکردند و جلب نظر خدای قبیله را فراهم میکردند قربانی کردن فرزندان بطوریکه گفته شد یکی از عادات سامیهای اولیه بود و لی بتدریج این طرز عادت تحول پیدا نمود و تخفیفی در وضع قربانی داده شد یعنی بجای قربانی ببریدن مقداری از گوشت آلت تناسلی فرزند ذکور خانواده اکتفا گردید و این عمل هنوز در اجتماع امروزی مادیده میشود: کل خدایان ابتدا بوسیله تصاویری مجسم میگردد ولی بعداً در اثر روابطی که سامیها با مصریان برقرار ساختند بفکر ساختن مجسمه خدایان گردیدند آداب مذهبی سامیها نهایت ساده بود و عبارت بود از:

۱ - صرف مشروبات مثل آب و شیر و غیره.

۲ - مراسم تدهین با روغن یا چربی که روی سنگ سیاه

انجام مییافت.

۳ - هدایا و قربانیهاییکه در موارد مختلف انجام مییافت.

انجام مراسم مذهبی بوسیله رئیس خانواده انجام مییافت ولی

رای انجام مراسمی که شامل کلیه افراد قبیله میبود مامورینی وجود

داشت که بك و منزّه بوده و با خداوند رابطه داشتند اینها عبارت بودند از رمال و جادوگر و غیب‌گو که اعراب آنها را کاهن می‌گفتند که از خدا سؤال می‌کردند و جواب آنها را به‌یل و اراده خود تعبیر و تفسیر می‌کردند نمونه این عادات هنوز در اجتهامع مادیده میشود هنوز عده‌ای برای رفع احتیاجات خود دست توسل بسوی رمال و غیب‌گو و ودعانویس می‌برند این خرافات که موجب عقب‌ماندگی اجتهامع ماست بهات جهل بعضی از افراد جامعه ماست .

در اجتماع سامیها پیش‌گوئی توسط کهنه از طرف خدایان گفته میشد و افراد بدون چون و چرا اجرا می‌کردند کهنه نماینده خدایان بودند و اداره آنان ادا خدا بود و جامعه سامی با ترویج خرافات مذهبی از طرف کهنه در حال جاهلیت و بت پرستی سیر می‌کرد .

علاوه بر حوادث غیر مترقبه ایکه بك قربانی را از طرف جامعه سامی ايجاب می‌کرد در ایام خوشی و اعیاد قربانیها میشد و خوشی ها می‌کردند و پس از ۶ روز کار روز هفتم را تعطیل می‌کردند سامیها که مردمی چادر نشین بودند در اعیاد شهر نشینان شرکت می‌کردند و در مواقع معین همگی زیارت مهابد خدایان می‌رفتند و در این روزها جنك و نفاق در میان آنها از بین میرفت و این روزها را ایام الحرام می‌گفتند در اسلام امروز زیارت مکه از بزرگترین اعیاد مذهبی مسلمان بشمار می‌آید مراسم عزاداری سامیان عبارت بود از گریه کردن و پاره کردن لباس و شیون زنان و خاکستر مالیدن بصورت و روزه گرفتن چند روز و غیره بود و معتقد بودند که با عزاداری بازماندگان را بامرده مربوط می‌سازند امروز این عزاداری با کمی تغییر در اجتماع مادیده میشود .

تجارت فنیقی ها

فنیقی ها نیز از نژاد سامی بودند و در سواحل شرقی مدیترانه مسکن داشتند و شهرهای مهم خود صور و صیدا را در کرانه شرقی دریای مدیترانه ساخته و بکار تجارت مشغول بودند این قوم بجنک و ستیز آشنائی نداشته و بتجارت عشق زیادی داشتند ملاحان فنیقی که الای صور و صیدا و مال التجاره جنوب اروپا را با آسیا حمل کرده و از آسیا ادویه و پارچه های نخی و کتان و دیگر مایحتاج خود را خریده بکشور خود برای فروش میبرد فنیقی ها تا مدیترانه غربی در رفت و آمد بودند و يك نمایندگی تجارتی در اسپانیا دایر نمودند و از آنجا روغن و سر آب و گندم حمل کرده و باهراکش و شمال افریقا تجارت طلا داشتند فنیقیها نیز تجارتی در فن بحر پیمائی بدست آوردند و بزودی ثروتی سرشار از راه تجارت کسب میکردند و مشهور جهان گشتند این قوم کشتی های خود را باقیر اندود میکردند که آب در آن نفوذ نکند کشتی های آنان بادبانی بود که با پارو رانده میشدند و برای اینکه کشتی رانان دیگر را از تمقیب نظریاتشان مأیوس سازند در مورد خطرات دریا مبالغه میکردند و آنرا مرکز عجایب معرفی مینمودند ملاحان فنیقی شب و روز در دریاها در حرکت بودند و چابکی و مهارت با کماك خورشید و ستاره جهت یابی کرده و بیش میرفتند از اینجهت مورد نظر و تشویق ملل هم عصر خود قرار گرفته بودند .

تجارت برده در بین فنیقی ها

نظربه تخصص و اطلاعات و افری که فنیقی ها در امر تجارت و دریانوردی داشتند بزودی معروفیت جهانی پیدا نمودند زیرا ان

قوم از قدیم الایام از طریق بحر پیمائی و امور بازرگانی امرار معاش
مینمودند همینکه رونق بازار برده فروشی را دیدند تجارت برده را
پیشه خویش ساختند کشتیهای بازرگانی فنیقی که بسواحل رفت و
آمد میکردند مقداری اسباب توالت و آرایش برای فریفتن زنان و اسیر
کردن آنان باخود میبردند و بمحض اینکه در کنار شهر های ساحلی
لنگر میانداختند ملاحان اهالی آنجا مخصوصاً زنان را برای معامله بدرون
کشتی دعوت میکردند و در آن حین که خانمها برای خرید اسباب دلربائی
بر یکدیگر سبقت میجستند غفلتاً لنگر های کشتی را بر گرفته و از بی
و بمبدء اولیه بر میگشتند بدین ترتیب بطور خائنانانه زنانی دزدیده و
بعنوان کنیز میفروختند *

از طرفی چون ایشان از مراکز برده فروشی بخوبی مطلع بودند
و بمحض بروز جنگ میدانستند اسراء را بگدام بازار روانه خواهند
نمود لذا بممالکی که اخیراً فاتح شده و کالای برده در بازار آنها فراوان
گشته بود هجوم آورده غلام و کنیز را بقیمتهای ارزانی خریده بشهر
های که اهالی آن باقتضای تحمل فوق العاده احتیاج زرخیزید متعدد
داشتند و این متاع را بهای گزافی میخریدند حمل و از اسراء منافع
سرشاری میبردند باین جهت بازار برده فروشی شهر صور که یکی از
شهر های مهم و پر جمعیت فنیقیه بود مرکز جماعت انبوه غلامان و
و کنیزان سیاه حبشی و سفید پوست یونانی و قفقازی و رومی شده و مخصوصاً
تجار فنیقی بردگان گران قیمت و ممتاز خود را از آنجا بدر بار های
سلاطین مشرق زمین میفرستادند بازرگانان پول پرست شهر صور حتی
میدانستند که قبایل و اهالی کدام محل بعلت فقر یا علل دیگر کودکان

خود را بیهای ناچیز و یا در قبال فلان شیئی میفروشند لذا گاهگاه بسراغ این گونه قبائل رفته اطفال ایشان را خریداری و بمراکز برده فروشو انتقال میدادند از رفتار اهالی فنیقیه نسبت ببردگان اطلاع وسیعی نداریم ولی از آنجا که این ملت در جوار یونان و روم میزیست میتوان گفت از رسوم اجتماعی و برده داری اهالی این دو کشور پیروی میکرد و سلوك آن نیز در باره غلامان بهتر از روش سایر اقوام نبوده و حتی برای تمکین زرخردان گاهی مرتکب اعمال جنایتکارانه ای میشده است .



بخش چهارم

تمدن اولیه سومریها در بین النهرین «عراق عرب»

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی سومریها

وضع جغرافیائی بین النهرین

ناحیه بین النهرین اطلاق میشود بناحیه ای که واقع شده است بین دورود دجله و فرات که از کوه های ارمنستان در شمال آن سرچشمه میگردد دجله از سمت راست و رود فرات از سمت چپ جریان یافته و پس از مشروب ساختن خلك عراق و عرب بخلیج فارس میریزند رودخانه فرات ۲۸۰۰ کیلو متر طول دارد در حوالی بغداد رسوبات رودخانه فرات ته نشین شده و هر سال این رسوبات زیاد میگردد طول دجله دو هزار کیلومتر ولی پر آب تر از رودخانه فرات است .

امروز شط العرب ۶ هزار متر مکعب در ثانیه آب داشته و هر ۳۰ سال ۱۶۰۰ متر مربع بطرف دریا بیش میرود رود های کرخه و کاربن که امروز وارد دجله و شط العرب میشوند در سابق جدا گانه بخلیج فارس می ریخته اند آب و هوای بین النهرین بری است بدین معنی که دارای زمستانهای سخت و دارای بارانهای سیل آسا و برعکس تابستانهای گرم و دارای آفتابی طاقت فرسا است بطوریکه رطوبت و باران و آفتاب تابستان باعث حاصلخیزی زمین گردیده و نواحی مرتفع شرقی محلهائی برای بیلاق تابستانه میباشد محصولات آن انگور و گندم و جو و خرما و انجیر میباشد و حیوانات آن اغلب در قدیم شیر و پلنگ و ببر در تصاویر ماقبل تاریخ دیده شده و دارای حیوانات اهلی نیز بوده است والاغ و شتر برای حمل و نقل بکار میرفته است و در رودخانه ها ماهی شکار میشده که مقداری صرف غذای اهالی و مقداری برای تجارت بخارج از طریق رودخانه صادر میشده .

مشخصات نژادی و ظهور خط در بین سومریها

نژاد - راجع باصل نژاد سومریها فرضیات زیادی است ولی آنچه مسلم است زبان و صنعت سومریها با همسایگان آنها متفاوت بوده است در بین آثار مکشوفه از بین النهرین نژاد سومریها کوهستانی دارای قد کوتاه جمجمه و سر گرد و برنك بدنشان گندمگون بوده است و بنظر میرسد که در قرن سیام قبل از میلاد از کوهستان شمالی بین النهرین از کوههای ارمنستان و قفقاز بجلگه بین النهرین سرازیر شده اند .

خط سومریها ابتدا مانند مصریان اولیه خط تصویری بوده است که رفته رفته بخط قراردادی تبدیل یافته و منجر بظهور خط میخی گردیده است سومریها برای نوشتن يك نوع قلم فلزی داشتند که در روی گل نرم فرو میبردند تا بوسیله آن خطوط نازك و متحدالکلی ترسیم نمایند و چون نمیتوانستند خطوط منحنی ترسیم نمایند علائمی را بشکل میخ رسم میکردند که بنام خط میخی معروف است .

تقویم - تاریخ زمان نزد سومریها روز و شب است که هر کدام به ۱۲ ساعت تقسیم شده و بمنزله واحد زمان میباشد و ممکن است که تقسیمات ۶۰ قسمتی که امروز هم متداول است ۶۰ ثانیه - ۶۰ دقیقه - ۱۲ ساعت) از سومریها باشد ماه را سی روز و سال را ۱۲ ماه حساب میکردند که مجموعاً ۳۶۰ روز حساب میشد در اشکالی که در روی آثار مکشوفه دیده میشود که سومریها دارای چند اسم بنام ماههای درو و قیچی کردن پشم و غیره بودند که نشان میدهد که سومریها ملتی کله دار بودند .

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی سومریها

چنین بنظر میرسد که سومریها دوره حجر را در ناحیه دیگری

گذرانده باشند ولی بطور کلی ورود سومریها به بین النهرین مصادف با پنجهزار سال قبل است لباس سومریها از پارچه های نخی درشت شبیه به پوست یوانات تهیه شده و در تسلیحات آنها تیر و کمان دیده میشود ظروف آنها سفالی بود که تزیینات بسیار عالی داشت و از طلا و مروارید برای زینت زینها استفاده میکردند و در فن معماری مهارت کامل داشتند .

سومریها صالح طلب بودند و زراعت میکردند و بادیات و عاوم علاقه داشتند برخلاف اینها چادر نشینان آشوری که در شمال بین النهرین ساکن بودند مردمی غارتگر و خون ریز بوده بدبکران تمدی میکردند سومریها با قایقهایی که در روی دجله و فرات حرکت میکردند امتعه آشوری و فنیقی و مصری را از راه خلیج فارس به هندوستان میفروختند و بالعکس امتعه هند را به کشورهای مذکور بفروش میرساندند بناهای سومری باخشت و گل و آجر ساخته میشد و دارای برجهایی بود که بمنظور دیده بانی بکار میرفت و حصاری شهر را از ورود بیگانگان محافظت میکرد .

معبد سومریها برج چهارگوشی داشت که از آجر ساخته میشد و دارای هفت طبقه بود و در طبقه هفتمین که گنبدی داشت کاهن بزرگ شهر بعبادت میپرداخت سومریها بارباب انواع معتقد بودند و آنها را با اشکال مختلف میساختند بطوریکه مجسمه های مختلف سفالی بنام ارباب انواع تهیه نموده در معابد برای پرستش قرار میدادند مانند رب النوع تواید که بشکل زنی لخت نشان داده شده بود علاوه بر این بارواح بدکار و شیاطین و اجنه هم معتقد بودند و برای اینکه از شر

آنها برکنار باشند قربانی میکردند در نظر سومر پهازندگی خداوند شبیه بزندگی انسان بود میتوانست زن بگیرد و فرزند داشته باشد و انسان باجاء و جلال زندگی نماید بهمین تصور معابد خود را از خوراك و لوازم زندگی و ذخایر آنها تهیه میکردند معابد سومری از گل ساخته میشد و پرستشگاه خدا در قسمت فوقانی آن بود عقیده داشتند که اگر خدای شهری را بشهر دیگر برند آن خدا اسیر شده است و استقلال آن شهر از بین خواهد رفت •

سومر پها برای ستارگان هم قدرتی قائل بودند آنها را می پرستیدند بعقیده ایشان هر ستاره نماینده خدائی بود بهمین نسبت از مطالعه در احوال ستارگان و حرکات آنها ممکن بود باراده خدایان و حوادث آ آینده زمین پی برد تصور میکردند که زندگی هر کسی بسته بوضع ستارگان در موقع تولد اوست سومر پها برای رهایی از اجنه و ارواح ناپاک و بدکار بسحر و جادو و طلسم میپرداختند و معتقد بودند که با خواندن اوراد و اذکار گوناگون و افشاندن آبهای مخصوص یا سوزاندن برخی گیاهان شر آنها را از خود رفع خواهند نمود و توجه سومر پها برای دریافتن اسرار آینده زندگی ایشان را بستاره شناسی و علوم ریاضی رهبری میکرد •

ازدواج و اصول خانوادگی در بین النهرین

در کشور سومر و بطور کلی در بین مردم بین النهرین عادات خانوادگی مخصوصی حکمفرما بود در بین این خانواده ها چنین معمول بود که اصولا هر مردی بیش از يك زن اختیار نمینمود ولی اختیار چند زن غیر عقدی برای آنها میسر بود و حتی قوانینی جهت

انتخاب و تصرف آنها وضع شده بود برای انجام ازدواج قبالة ای تهیه میشد که در آن شوهر وظائف و حقوق آن و مهر و سایر شرایط را میکرد و قبل از رضایت والدین را فراهم می نمود اگر مردی دختری را گمراه میکرد مجبور بود با او ازدواج نماید و اگر مردی دختری را خواستگاری مینمود و والدین دختر تقاضای او را قبول نمیکردند و با اینحال آن مرد دختر را گمراه کرده بود محکوم بمرک میشد .

در ۲۱۳۴ پیش از میلاد در جلگه بین النهرین شخصی بنام هامورایی کشورهای کوچک بین النهرین را تحت اطاعت خود در آورد و تشکیل حکومت مقتدری داد و قوانین را که قبل از او بین مردم معمول بود جمع آوری کرد و روی سنگ سیاهی نوشت و بعداً در زمان غارت بین النهرین بوسیله چادرنشهنان ابلاهی این سنگ را جزو غنائم بتوش (ناحیه ای از خوزستان فعلی) بردند و در اثر کاوش اخیر که توسط باستان شناسان فرانسوی بعمل آمد سنگ مذکور نوشته شده بود .

خواستگاری از وظائف والدین داماد بوده است پس از اینکه رضایت طرفین حاصل میگردد پدر داماد مهریه را در سینی قرارداد با بعضی لوازم و اثاثیه دیگر بمنزل عروس میفرستاد نام مهریه در کتیبه های بین النهرین دیده میشود .

مهریه عبارت بود از گاو و گوسفند و سبب خرما و کره و انجیر و غیره و مهریه اجباری نبوده و ممکن است طرفین از آن صرف نظر نمایند در صورتیکه پس از ادای مهریه و پیش از انجام عقد داماد از تصمیم خودش راجع به عروسی برگشت آنچه بوده است بداماد پس میدهند

و در صورتیکه بشیمانی بعد از انجام عقد باشد آنچه داماد داده است نزد پدر عروس میماند دختر نیز مقدارى اثاثیه بعنوان جهاز بمنزل داماد میآورد و این جهاز را پدر دختر مهاد و داماد خود تصرفی در آن نداشت اگر در نتیجه ازدواج طفلی بوجود میآید شوهر میتواند زن را طلاق دهد و زن دیگری بگیرد ولی حق ندارد زن درمی را از حیث اهمیت برابر با زن اولی نماید زن میتواند یکی از زرخردان خود را برای شوهرش صیغه نماید این زرخرد همینهکه دارای بچه شد آزاد میگردد ولی اگر خواست با زن اولی رقابت نماید حق ندارد مجددا او را بصورت کنیزی درآورد در صورتیکه اگر زن برای شوهرش کنیزی صیغه نمود دیگر شوهر حق ندارد زن دیگری را بخانه بیاورد .

وضعیت بچه ها در خانواده بترتیب زیر معین شده بود اگر طفلی از پدر و مادد آزاد متولد شده باشد آزاد است والا بنده خواهد بود .

اگر در نتیجه عقد و نکاحی بدنیامیآمد شخص ثالثی داده خواهد شد .

و نباید اطلاعی از وجود پدر و مادر حقیقی خود داشته باشد اگر پدر و مادر حقیقی خود را پیدا کرد و خواست خانه پدر خوانده خود را ترك کند مطابق قانون چشمان او را بیرون میآورند هنگام مرگ والدین اموال آنها را بین فرزندان قسمت مینمودند و اگر فرزندی وجود نداشت بین سایر اعضاء فامیل تقسیم میکردید هر کس حق داشت در زندگی خود اموال خود را بغیر بخشش و فرزندان در اینصورت حق اعتراض نداشتند .

اگر دختری در زندگی پدرش شوهر می‌کرد و از او جهاز می‌گرفت دیگر حق مطالبه ارثیه نداشت اگر فرزندی مطابق میل پدرش رفتار نمی‌کرد پدر حق داشت او را عاق نماید یعنی حق فرزندی را از او سلب نموده از شهر بیرونش می‌کرد *

باید دانست که بسیاری از رسوم و قوانین مردم بین‌النهرین در سومر تا در هزار سال قبل از میلاد با رسوم و قوانین امروزی چندان اختلافی ندارد در حقیقت وقتی انسان اطلاع باحوال اجداد و نیاکان خود ندارد در هر موفقیتی که برای پیشرفت تمدن و ترقی بدست می‌آورد چنین تصور می‌نماید که کار مهمی انجام داده و چیز تازه ای بدست آورده است ولی پس از بررسی تاریخ نیاکان بر ما معلوم می‌گردد که پدران ما بیش از ما تحمل رنج و زحمت برای ترقی بشر نموده اند *

همانطوریکه گفته شد سومر بها خدایان متعددی داشتند که مجسمه آنها در نگهداری میشد بزرگترین خدایان مردم بین‌النهرین رب‌النوع فراوانی بود که عقیده داشتند که دنیا و آنچه را که در آن است خلق کرده است و روزی مردم را می‌دهد این خداوند را سومر بها معمولاً بشکلی زنیکه بستانش را بدست گرفته و شیر خود را تقدیم می‌نماید و جسم می‌نماید این رب‌النوع در بین ملل دیگر قدیم مورد پرستش بود و در بین یونانیان بنام ونوس خوانده شد و صفات دیگری ایجاد مهر و محبت و عشق در قلبها باو اضافه گردید پرستش ستارگان بطوریکه گفته شد نظر مردم بین‌النهرین را جلب کرده بود زیرا در آسمان صاف خاور زمین که نظیر آن در سایر نقاط کره زمین کمتر دیده

میشود ستارگان بیشمار مانند موجودات خارق العاده‌ای در نظر انسان که بیشتر اوقات خود را در صحرا و بیابان بسر میبرد بنظر می‌آیند و از عظمت خلقت و حقارت و بی‌چیزی بشر با اوصحبت مینمودند سپس خورشید از پشت کوه نمایان میشد مانند اینکه از زیر زمین بیرون باشد و پس از اینکه خط سیر معینی را در آسمان طی مینمود به نقطه دیگری از زمین فرو میگرفت و تمام شب را در دالانهای زیر زمینی با خدایان بسر میبرد و مجدداً روز بعد از همان نقطه بیرون می‌آمد باینجهت برای انسان اولیه شکی باقی نمیمانده که در زمین دنیای دیگری وجود دارد و خدایانی در آن ساکن میباشند.

بنابر این جای تعجب نیست که مردم آن زمان خورشید را میپرستیدند زیرا هستی و نیستی آنها از او بود و سومریها خورشید را با نهایت احترام پرستش میکردند و هر صبحگاه که مهر از بناه کوههای مرتفع نمایان میگردد بدو پیشگاهش بزانو در آمده مراسم مذهبی را اجراء میکردند.

ماه نیز در بین چادرنشینان سومری اولیه بین النهرین مورد پرستش قرار میگرفت چون شغل چادرنشینان گله چرانی بود تنها پرتوی که راهنمای این قوم چادرنشین در شبهای تاریک بود و تنها همدمی که با او راز و نیاز میکردند و مونس شبهای این قوم گله‌چران بوده است ماه است که در مقابلش مراسم مذهبی انجام داده و مجسمه‌اش را در معابد نگهداری و مورد پرستش قرار میدادند.

بخش پنجم

تمدن اولیه . در ایران

ظهور نژاد آریا

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی آریاییها

وضع جغرافیائی ایران

فلات ایران بشکل مثلثی مابین دریای خزر و شمال خلیج فارس و بحر عمان در جنوب قرار گرفته است .

نصف آن کوهستانی و در بخش حاصلخیز و ربع دیگرش دریاچه های خشك و شور و بیابانهای بی آب و علف میباشد .

گوبرهای ایران دریاچه های قدیمی خشك شده ایست که بتدریج آب آنها تبخیر شده املاح محلول در آنها رسوب نموده اراضی بایر نمك زار و بی حاصل را تشکیل داده است .

در بعضی نقاط این گوبر رشته های مفردی از کوه دیده میشود و بیشتر در این نواحی گوبر ها تپه های شنی دیده میشود که آنها عموماً از يك روان تشکیل شده است و بوسیله باد دريك نقطه متمرکز شده اند .

غالباً چشمه و واحه هایی در این گوبر دیده میشود که توقف گاه کاروانها میباشد .

در شمال ایران رشته کوه های البرز قرار دارد که مانع نفوذ بخار آب و رطوبت دریای خزر بداخله ایران است و نیز در مغرب ایران کوه های زاگرس قرار دارد و این کوهها پوشیده از جنگل میباشد .

در جنوب نیز کوه های فارس و لرستان کشیده شده است .
آب و هوای ایران بری و خشك است و علت آن نرسیدن بخار آب بداخله ایران بواسطه وجود کوههاست حد اکثر رطوبت در مازندران و گیلان و استرآباد ۷۵ سانتیمتر است درجه متوسط حرارت

تابستان ۳۵ درجه بالای صفر و درجه متوسط حرارت در زمستان ۵ الی ۱۰ درجه زیر صفر است .

محصولات ایران عبارتست از غلات ، پنبه ، پشم ، ابریشم ، زیتون مرکبات ، چوبهای جنگلی و برنج و نفت و ذغال سنگ است .

وضع زندگی اهالی ایران روستائی و کشاورزی است و عددی در شهر متمرکز و بکار صنایع یدی مشغولند و عده ای از اهالی این کشور ایلات میباشند که در تابستان با گله های خود به بیلاق میروند و در زمستان بقشلاق رفته و در دشت های حاصلخیز مسکن میکنند و بکارزراعت مشغولند .

قسمت غربی ایران مخصوصالریستان و خوزستان بواسطه وجود انهار و پرآب حاصلخیز و از قدیم موجب موجب سیب و تمرکز جمعیت گردیده است و نیز دارای جنگلهای فراوان و آب کامل و منافع زیر زمینی و هوای سازگار میباشد .

ظهور نژاد آریا در ایران

مرکز نژاد آریائی را مورخین و نژاد شناسان در آسیای مرکزی دانسته اند .

این نژاد در آسیای مرکزی بچادر نشینی روزگار میکرد را نیدند در ۲۵۰۰ سال قبل از میلاد بطرف جنوب و جنوب غربی ناحیه مسکونی خود سرازیر شدند .

علت این مهاجرت و کوچ کردن آریا ها بقسمت جنوبی پیدا کردن و بدست آوردن مراتع سبز و خرم و مراتع بهتری برای چرانیدن دامهای خود بود بچادر نشینی و گله چرانی مشغول بودند با گله های بسمت

جنوب سرازیر شدند زیرا شرط اول کله‌داری دارا بودن مراتع سبز خرم و پر علف است. و از این قبیل مراتع در همه جا پیدا نمیشود *

مثلاً قسمت جنوبی آسیای صغیر مرکزی دارای همه نوع مراتع میباشد که موجب جلب چادر نشینان آریائی شده بود ولی کله‌داری و چادر نشینی یکی از مراحل متمدنی انسان است و آریائیها اطلاع یافته بودند که در شمال ایران و هندوستان و دامنه کوه‌های افغانستان و نواحی غربی ایران بهترین محیط برای کله چرانی و زندگی آنهاست این بود که دسته‌دسته بدین نقاط سرازیر شدند و هر شعبه‌ای از این نژاد در دریکی از نواحی و هند و افغانستان را برای ادامه زندگی چادر نشینی و کله چرانی انتخاب نمودند و تاریخ این جدایی شعبه‌های نژاد آریا از یکدیگر را هقارن ۱۴۰۰ سال قبل از میلاد دانسته اند *

يك شعبه از نژاد آریا کاسی‌ها بودند که در نواحی لرستان مسکن گزیده *

و بارها در شمال ایران سواحل جنوبی مازندران را برای زندگی انتخاب نمودند *

عالت دیگری که موجب مهاجرت اقوام آریائی بایران نواحی دیگر منقورست این است که بعالت ظهور سرم‌ای سخت در آسیای مرکزی زندگی برای آنها دشوار گردیده بدینجهت بطرف جنوب و نواحی گرمسیر حرکت نمودند *

در کتاب اوستا که کتاب دینی زردشتیان بوده است سرزمین اولیه آریائیها را سرزمین خوش آب و هوا نوشته است که ناگهان سرد گردیده لذا اقوام مذکور بطرف جنوب ایران سرازیر شده اند در اوستا

که آریاییها پس از اینکه تصمیم گرفتند بقسمت جنوب مهاجرت کنند عده ای بسمرقند و مرو آمده و عده ای بکابل و غزنین و هرات رفتند و عده ای بطوس و شاهرود و خوار و ورامین آمده و عده متوجه پنجاب و سند و شمال هند شدند و عده ای کاسی و هادر کردستان و لرستان متمرکز شدند .

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی آریاییها

در خانواده آریایی پدر اختیار مطلق داشت و زن با اینکه اختیاری نسبت بشوهر خود نداشت بانو خانه محسوب میشد و آریاییها احترام زنان را بیشتر از سایر اقوام نگاه میداشتند فرزندان مطیع و فرمانبردار پدر بودند و پدر خانواده در عین حال قاضی و هم مجری آداب و رسوم مذهبی بوده زیرا در این ادوار بواسطه سادگی آداب مذهبی هنوز طبقه روحانیون وجود نیامده بود از وظائف مخصوص رئیس خانواده مراقبت آتشگاه خانواده و روشن نگاهداشتن آتش بود و ستایش آتش بود و ستایش آتش و روشن نگاهداشتن همیشگی آتشگاه در میان غالب اقوام قدیم از یونانی و رومی و هندی مرسوم بوده است .

چنانکه از کتاب اوستا استنباط میشود در میان آریاها سه

طبقه وجود داشتند .

۱ - طبقه روحانیون .

۲ - جنگاوران .

۳ - بزرگان .

چنانکه گفتیم در آغاز طبقه اول وجود نداشت و وظائف مذهبی

مثل قربانی و امثال آن بدست رئیس خانواده انجام میگرفت .

حکومت این زمان ملوک الطوائفی بوده است بطوریکه از چند خانواده يك تیره بوجود آمده و این تیره را بقول اوستا ویس مینامیدند .

ویس را از لحاظ محل میگفتند که در اجتماع چند خانوادۀ پیدا شده است .

رئیس این اجتماع ویس بت یعنی رئیس اجتماع میگفتند از چند تیره اجتماع درست میشده بنام گئو و رئیس آنرا گئو بت مینامیدند و از چند گئو هم اجتماعی درست میشد که در ولایت زندگی میکردند و چنین اجتماع را دهیو و رئیس آنرا دهیو بت میگفتند .

روسای خانوادۀ های کوچک ، روسای خانوادۀ های بزرگ را انتخاب میکردند روسای خانوادۀ های بزرگ شاه را انتخاب میکردند و اغلب فرماندهی لشکر باروسای خانوادۀ های بزرگ بود و اغلب آنها بحکومت شهر ها گماشته میشده و در زمان جنگ برای شاهنشاه سرباز تهیه میکردند و در زمان صلح مالیات وصولی حوزه مأموریت خود را بدربار میفرستادند .

در کردستان و لرستان ایران قومی در ده هزار سال قبل زیست میکردند که بعقیده باستان شناسان و نژاد شناسان کوتی ها و کاسی ها بودند و تمدن مخصوص را در برداشتند و چند دفعه از این نواحی به بین النهرین حمله کرده و مال و جان سومریها را مورد قتل و غارت قرار دادند کوتی ها و کاسی ها در شعبه از نژاد آریا بودند که بچادر نشینی امر را مهلت مینمودند .

کامیها در ساختن اشیاء برنزی مهارت زیاد داشتند و در ابتدا

نیز قومی بیسواد بودند ولی همینکه بامردم ساکن در بین النهرین آشنائی پیدا کردند خط آنها را فراگرفتند و در امور مذهبی نیز از آنها اقتباساتی نمودند و خدای نی برای پرستش خود اختیار نمودند .
 باستان شناسان محل اولیه کاسی ها را از قفقاز میدانند
 ولی آنچه مسلم است اینست که پس از کوچ کردن نژاد آریا از آسیای مرکزی شعبه ای از آن متوجه کوههای قفقاز و از آنجا اعزام قسمت غربی ایران که محل مساعد برای اوامر زندگانی گله چرانی و چادر نشینی آنان برد شدند .

از زبان آنها اطلاع مهمی در دست نیست ولی قدر مسلم اینست که زبان آنها بازبان مردم قفقازیه از یک ریشه بوده است و شباهت زبان هند و اروپایی دوریسه است و این اقوام قبل از مادها و پارمها که ایرانیان از آن نژادند باین ناحیه آمده اند .

در شباهتی که بین اشیاء مکشوفه این ناحیه با اشیاء مکشوفه در مجارستان و بلغارستان و آلمان و سویس و شبه جزیره اسکاتلند مربوط بدوره های اولیه دیده شده گمان میرود که یک خریشاوندی نزدیکی بین کاسی ها و مردمان اولیه ساکن در اوپا وجود داشته است کاسی ها مردمی جنگجو و دلیر بودند زیرا آثاری از قبیل خنجر و تیر و کمان که در نواحی مغربی ایران بدست آمده مدلل میسازد که این مردم دارای صفات مذکور بودند .

بازوان کامیها به تزیینات و جواهرات علاقه زیادی داشته و در قبرهای آنها تزیینات برنزی و سنگی و آهنی فراوان دیده شده که مقادری از آن توسط هیئت های علمی باستان شناسی در نواحی غرب ایران

کشف و مقداری از آن در موزه ایران باستان تهران محفوظ است .

کاسی هائیز مانند اغلب ملل قبل از تاریخ ارباب انواع را پرستش میکردند و دارای بت های برنزی ظرف دیزی شکل و آبکش های کوچک و ظروف دسته دار و جامه های دهان کشاد دوشبیه های کوچک و آبخوری های ته پهن که از نواحی کردستان و لرستان بدست آمده معرف اثنایه زندگی کاسی ها میباشد و علاوه بر صنعت برنزی کاری کاسی ها در صفت کوزه گری دست داشتند .

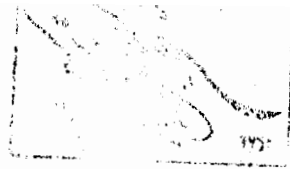
کاسی مانند مصریان قدیم پرستش خورشید و افتاب را اعتقاد داشتند در روی این اصل در طرز دفن اموات خود رعایت مذهب را میکردند بطوریکه صورت او را بطرف مشرق قرار میدادند .

طبق تحقیقات باستان شناسی که از طرف هیئت های علمی فرانسوی و آمریکائی اخیرا بدست آمده و طبق آثاری که از نواحی غربی ایران کشف شده ایران دارای تمدن بسیار قدیم میباشد غیر از کاسیها و گوتی ها که در نواحی غربی ایران مسکن داشتند .

شعبه دیگری از نژاد آریا بنام مادها و پارسها در نواحی شمالی و جنوبی ایران مسکن داشتند که دارای تمدنی نظیر تمدن سایر شعبه های آریائی بوده اند .

باید دانست که قبل از آمدن آریائیها بایران در این سرزمین اقوام بومی زندگی میکردند که در تمدن پست تر از نژاد آریا بودند و آریائیها با آنها رفتار غالب با غلبه داشتند عده ای را غلام و عده ای را کشتند .

آریائیها هر کجا که وارد میشدند قلعه ای می ساختند که قسمتی



مرکز مردم بود و قسمت دیگری برای احشام و اغنام داده شده بود .
مذهب رسمی آریائیها پرستش خیر و شر بوده است از آنجمله
روشنایی و باران و آفتاب و بادهای مساعد و سلامتی را بموجودات خیر
نسبت میدادند .

برخلاف زمستان و قحطی و مرگ و مرض را بموجودات شر
نسبت میدادند و برای اینکه توجه موجودات نیکوکار را بخود جلب
کنند و یا اینکه خشم و غضب خدايانرا از خود دور نمایند اوراد و
اذکاری داشتند و بکار هائی مبادرت میکردند و جادوگری و سحر از
آن ناشی شده است و هنوز هم خواندن اوراد و ازکار بین ایرانیان که
از نژاد آریا هستند دیده میشود ولی پس از چندی زردشت پیغمبر
ایرانیان قدیم بر ضد اینگونه خرافات قیام کرده بود علاوه بر این مهر
پرستی هم جزو مراسم مذهبی آنها بوده است و آریائیها از حیث اخلاق
از مثل همسایه خودمانند بابلیها و آلامیها برتر بودند چنانکه دروغگوئی
در بین اقوام آریائی بسیار زشت بود ولی بابلیها از آن باکی نداشتند .

بخش هشتم

تمدن اولیه در یونان

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی

جشنها و بازیهای ورزشی الهپیک

هنر و ادبیات باستانشناسی

وضع جغرافیائی یونان

کشور یونان يك شبه جزیره سنکستانی با بریدگیهای زیاد در جنوب شرقی اروپا قرار دارد .

این شبه جزیره توسط سلسله هائی از مجمع‌الجزایر تا بسفرو آسیای صغیر کشیده شده است .

ساکنینش کوه‌نشین‌هائی بودند که اکثراً دریانوردی نیز میکردند دریای بدون جزرو مد و آبی یونان در زیر آسمان آبی جز در موارد طرفان های سخت خطر ناک نمیکردید .

بحر پیمائی از بندری به بندر دیگر و از جزیره ای به جزیره دیگر بهمین علت آسان بوده است .

تربیت اشجار مو و زیتون نیز رواج داشت زیرا یونان دارای آب و هوای مدیترانه ای یعنی گرم مرطوب بود و دارای حداکثر باران در زمستان و تابستان خشک بود وضع طبقه زارع در دوره حکومت اشرافی و نجیب زادگان رضایت بخش بود علاوه بر مو و زیتون عسل نیز تهیه و مصرف میکردند .

صنعت و تجارت نیز در یونان رونق داشت .

مردم یونان بمناسبت احتیاج شدید باذوقه ناگزیر بودند که مقداری غله از خارج کشور تهیه نمایند روی این اصل يك طبقه تاجر در یونان پیدا شدند که کارشان وارد نمودن غلات و مواد خام بود چون ارتباط با خارج وسیله فقدان وسائل حمل و نقل از راه خشکی مقدور نبود صنعت کشتی سازی بمنظور تجارت رواج کاسی یافت در یونان شهرهای آتن و اسپارت مرکز تمدنهای اولیه

بود مردم آن ادیب و تاجر و صلح جو و شیفته آزادی و مردم اسپارت جنگجو بودند .

مردم یونان از مهاجرین اطراف بودند که از نظر نژادی بقوم همان شباهت داشتند و بتدریج وارد خاک یونان شدند .
 طرز حکومت بدست روسای خایواده و شیوخ بود و هر قسمت حکمرانی جداگانه داشت و این وضع باقی بود تا اینکه از قرن ششم قبل از میلاد با ظهور پیشوایانی مانند سولون Solon و کلیستن Cliston حکومت دمکراتیک در یونان مستقر گردید .

عادات اجتماعی یونان باستان

در یونان قدیم بنای خانواده روی اصل مذهب قرار میگرفت و مردم برای خاطر مذهب بزن گرفتن اقدام میکردند و معتقد بودند که خانواده باید الی الابد بماند .

خانواده در یونان باستان به پدر و مادر و فرزندان اطلاق میشد که اتحاد خوفی داشتند تربیت فرزندان و درد علاقه و توجه خاص سرپرست خانواده بود درحین ولادت طفل او را بخدایان عرضه میداشتند و پدر مجاز بود که مولود جدید را در خانواده بپذیرد و یا نپذیرد و اگر بپذیرفته میشد او را بدور اجاق خانواده که همیشه روشن بود می گردانند دخترها در اندرون خانه بسر میبردند و غیر از دوخت و دوز و آشپزی چیزی نمیداشتند ولی پسران از سن شش سالگی از مادر جدا میشدند و آنها را بدست مربیان میسپردند و در آنجا فن موسیقی و خواندن و نوشتن و ورزش و ادبیات را فرا میگرفتند و فنون کشتی و جنگ را فرا میگرفتند .

نچوانان کمالاً بتاهوش و ورزیده بار می آمدند و وی این اصل
اشعاری که بیشتر جنبه تربیتی داشت از حفظ میگرداند .

عروسی دختران جزء مراسم مذهبی بود وای که بخواهد در این
امور دخالتی نمیکردند پدر عروس بدون رعایت اجازه دختر همسرا و
را انتخاب میکرد سپس مرد و نامزد در خانه پدر عروس مقابل هم
قرار گرفته و نانی را که از آرد جو و روغن کنجد بود میخوردند و
پدر خانواده قربانی میکرد و ازدواج آن دو را اعلام میداشت سپس
دختر سبزه بود که عبادت خانوادگی سابق خود را ترك كند سپس
لباس سفیدی پوشیده و رو بند سفید میزد و باتفاق زنهایی که سرود میخواندند
میرفت و دعا هائی در منزل شوهر میخواند گه علامت قبول مذهب
شوهر بود .

مردان یونان باستان دقت خود را در میدانهای خرید و فروش
میکردانیدند و زن ها هم در داخل خانه زندگی میکردند و هیچوقت در
کارهای خارج مردان دخالتی نداشتند .

خریداری لوازم منزل بعهده مردان بود زن در اجتماع یونان
قدیم حکم برده را داشت و هیچگونه آزادی نداشتند زن ها در امور
خانوادگی صرفه جو بودند .

زن ها در منزل با دوستان خود در مواقع ییگاری به توب بازی
میزداختند یا به عبادت مشغول بودند .

مردم یونان دارای لباس ساده بودند که تنگ تنگ دوخته
بودند و فرد ها دارای شلیقه چین دار و جلیقه بودند کفش نمایی پوشیدند
و با برهنه از خانه بیرون میآمدند و با استحمام زیاد علاقه داشتند و

دارای کلاب حصیری بودند که بر سر می‌گذاشتند .

مردم دارای ریش کوتاه بودند و زن‌ها بآرایش علاقه مفرط داشتند و دارای کیسوان بلند بودند که با روغن و کلاب آنرا چرب میکردند .

غذای آنها از زیتون و ماهی و سبزی و نان تشکیل میشد در مهمانیها چند نفر باهم شریک میشدند و یک مهمانی تشکیل میدادند و در این مهمانیها از سیاست و فلسفه و موسیقی سرگرم میشدند .
مصنوعات یونانیها لوازمات تجملی که زیبایی مشهور بود در ساختن ظروف سفالی زمینه های ملون و مصور بود مهارت داشتند در کنار دریای چاه عدای صید ماهی مشغول بودند و همینکه باهمیت دریا در کنار بازرگانی بی بودند دست بکار تجارت زدند و مردمی تاجر و بازرگان شده عده ای از این راه امرار و عاشر میگردید .

مجسمه سازی در یونان قدیم رایج بود و عده ای بساختن مجسمه های خدایان اشتغال داشتند و نیز عده ای هنرور و نویسندگانی و مورخ و فیلسوف در یونان ظهور یافتند .

فن تانر در یونان قدیم در ابتدا چیز خواندن سرود ها یا رقصهای مذهبی چیز دیگری نبود ترقی فوق العاده کرد و اغنیاء امور تشکیل تانر ها بودند و بعضی از پیش ها Piece و تانر ها موجب تحریک مردم بجهنك میشد .

در اسپارت یونان طرز تربیت جوانان بدین قرار بود که آنان را ورزیده سازند .

تربیت در یونان باستان از این نظر بود که جوانانی سلحشور

و بردبار بار آورند از اینجهت طفل بمجرد تولد از مادر موزد آزمایش قرار میگرفت اگر بدانش سالم بود او را بمادرش باز میدادند والا او را در چاه مخصوصی میانداختند *

طفل تا هفت سالگی تحت تربیت مادر بود و در این مدت اور چنان پرورش میدادند که از هیچ چیز ترسید و نسبت به پیش آمدها بردبار باشد سپس آنرا وارد قشون میکردند و آنها را تمرین به سختی و مقاومت در مقابل حوادث میدادند و در تمام فصول آنرا با يك لباس عادت میدادند و شلاق خوردن و سختی کشیدن را بمسابقه میکذاشتند در فنون نظام دختران و پسران باهم مشق میکردند و پسران لباس سرخ رنگ بلند و دختران لباس کوتاه داشتند که مانع حرکت آنان نشود ولی این عادت مخصوص تمام یونان نبود بطوریکه ورزش دختران اسپارتی در نظر آتینها که یکی دیگر از شهرهای یونان بود مسخره میآمد زیرا دختران آتن برخلاف اسپارت بخانه داری مشغول بودند *

جشنهای بزرگ الهپیان و بازیهای

ورزشی الهپیک

یونانیان بافتخار خدایان بعضی جشنهای ورزشی میگرفتند که بازیهای ورزشی بزرگ نام داشت و از تمام بلاد یونانی در آن شرکت میکردند و مهمترین آنها بقرار ذیل است *

۱ - جشنهای بنام زئوس که خدای عدالت و نازل کننده

باران بود *

۲ - جشنهای بنام پوزیدون که خدای دربار و حامی آن بود

۳ - جشنهای بنام آپولون خدای خورشید و نور و موسیقی بود.

۴ - جشنهای المپی بنام ونوس خدای دریاها در المپی کنار دریا.

در میان این جشنها مهمتر از همه جشن المپی بود که هر چهار سال یکبار تجدید میشد و فاصله هر دو جشن يك المپياد نام داشت مردم یونان المپياد سال ۷۷۶ قبل از میلاد را مبدأ خود قرار دادند و سنوات خود را از روی آن میشمردند.

چون عید المپی نزدیک میشد جنگ در سراسر یونان موقوف میشد و آنرا هتار که مقدس مینامیدند

مردم از هر طرف بالمپی میرفتند و طولی نمیکشید که چندین هزار نفر در شهر المپی اجتماع میکردند.

المپی نام شهر است که در مغرب شبه جزیره پلوپونز و در قسمت غربی یونان قرار دارد.

در هر کدام از این مسابقات تمام شهرها و نواحی یونان بهترین ورزشکاران خود را برای شرکت در مسابقه اعزام میداشتند و به محرفته این مسابقه های بزرگ ورزشی مهمترین واقعه زندگانی اجتماعی یونانیان بود.

این مردم ورزش دوست و هنرمند و با ذوق بقدری بورزشهای المپيك خود اهمیت میدادند که تاریخ یونان را بر حسب دوره های این مسابقه ها تعیین کرده بودند.

مثلاً مینوشتند فلان واقعه دو سال بعد از المپيك پنجم صورت میگرفت یا فلان جنگ يكسال پیش از المپيك نهم انجام شده

ولی تا پنج نخستین المپیاد کاملاً معلوم است .

این دوره المپیک در سال ۷۷۶ پیش از میلاد مسیح یعنی در ۲۷۲۵ سال پیش از این صورت گرفت و یونانیان معتقد بودند که ایجاد آن شاهکار پهلوانان نامدار و اساطیر یونان بوده است . برای مسابقه مردم همه ایالات خود را آماده میکردند و هنگام مسابقه از تمام شهرها و دهات یونان باکشتی و ارابه و یا پیاده بسوی المپی روی میآوردند .

هنگام هر المپیک که بفاصله چهار سال بعد از المپیاد پیشین صورت میگرفت بقدری جمعیت از اطراف و اکناف یونان جمع میشد که هرگز نظیر آن در هیچ نقطه یونان دیده نمیشد این مسابقات هر بار پنج روز طول میکشید و در آن انواع و اقسام ورزشها صورت میگرفت .

جایزه برندگان جنبه معنوی داشت یعنی بولی بانهاد داده نمیشد ولی درجه شهرت و احترام و محبوبیت برندگان المپیک بقدری در نزد مردم ورزشدوست یونان زیاد بود که هر ورزشکاری که برنده المپیک شناخته میشد با شکوه و جلال و تشریفات رسمی درحالی که جامه ای ارغوانی برتن کرده بود و بر سر تاج معروف المپیک را نهاده بود سوار بر ارابه ای که با چندین اسب سفید کشیده میشد در میان هلهله هزاران نفر که سر راه او صف کشیده بودند وارد شهر میشد و برای ورود او قسمتی از حصار شهر را میشکافته تا وی از آن داخل شهر شده و بدین ترتیب نشان میدادند که در نظر آنها حصار واقعی شور سپنه آن قهرمانی است که برنده المپیک شده است .

در شهر تا چند روز بافتخار وی جشنهای متعدد برقرار میشد
شعرا در مدحش شعر میخواندند و زیباییان شهر برایش دسته گل می آوردند
و دولت برای همیشه مسکن مجللی در اختیارش میگذاشت و او را
از پرداخت مالیات معاف میکرد چنانکه تا آخر عمر راحت میزیست
زیرا دولت جیره ای برای او معین میکرد که همیشه دریافت مینمود
دوره این مسابقه ها تا سال ۳۹۳ میلادی بیش از هزار سال بطول
انجامید .

در این تاریخ نئودور اول امپراطور روم شرقی که مسیحی شده
بود المپاد را بقایای شوم بت پرستی نامید و آنرا قدغن کرد و دو
سال بعد نیز در سال ۳۹۵ گنهای وحشی در حمله وحشیانه خود یونان
معبد بزرگ اولمپی و موسسات و ساختمانهای ورزشی را آتش زدند و
غارت کردند و بدین ترتیب بازیهای اولمپیک مع-روف یونان
پایان رسید .

شمار المپیک Fortius (قویتر) و Altius (بلانر)
Citius (تند تر) بوده است .

برچم اولمپیک برچم سفیدی حائیه ای معین شده بود که در
در روی آن پنج حلقه به پنج رنگ قرار داشت و این برچم پس از
پایان هر دوره اولمپاد بامانت نزد شهری که آخرین مسابقه ها در آن
صورت میگرفت باقی میماند تا در دوره بعد بشهر آینده واگذار شود .
آتش اولمپیک بزرگترین مظهر بازیهای اولمپیک است این
مشعل در آغاز هر دوره مسابقه های اولمپیک در محل اصلی این بازی
ها در اولمپی افروخته میشد و از آنجا دست بدست توسط ورزشکاران

یونان و کلیه شهر های عرض راه به محل بازیهای اولمپیک می-رسید ورزشکاران معمولاً در فواصل معینی مشعل را از ورزشکار دیگر تحویل میگرفتند و بادو آن را بجاییکه ورزشکار بعدی منتظر است میبردند و بدست او میسپردند و اینکار در تمام خشکی ادامه داشت .

در موقع بازیهای الپیک نمایندگان رسمی بلاد مختلفه جامه سفید زردوزی شده با حاشیه ارغوانی در بر میکردند و روز دوم از طلوع آفتاب با صدای كوس و کرنا نزدیکی شروع بازی را اعلام میکردند .

دوره میدان بازی نرده داشت و در آن ۴۰ هزار نفر جامیگرفت مسابقه با دو شروع میشد و بعد نوبت کشتی فرا میرسید بعداً مشت زنی آغاز میکردید و بالاخره در میدان دیگری بمسابقه اسبدوانی و عراده رانی می پرداختند و پس از آن دوباره بمیدان اول برگشته بازیهای پنجگانه (جست و خیز - دیسک پرانی - ژوبین رانی - دو کشتی) را آنجا انجام میدادند پس از آن برندگان جوایز خود را گرفته و بازی با شور و شغف بی پایان خاتمه می یافت .

غیر از جشنهای ورزشی جشنهای دیگری که از انواع موسیقی و رقص تشکیل میشد در یونان وجود داشت مانند جشنهاییکه بنام آپولون خدای خورشید و نور در جزیره دلس Pelos می گرفتند در این جشنها دختران و پسران جوان لباس بلند در بر کرده و با نوای صالح باوضع ملیحی میرقصیدند .

مراسم مذهبی در یونان باستان

مردم یونان قدیم مشترك بودند و خدایان خود را بصورت

انسان تصور مینمودند و جمال و زیبایی و قوت آنها را ورای حد بشر میدانستند و اجداد خود را مانند پهلوانان میپرستیدند .

مردم یونان باستان مانند بسیاری از ملل اولیه آثار طبیعت را مانند خورشید و رعد و طوفان و باد و اقیانوس و انهار را میپرستیدند و منشاء آنها را از وجود نامرئی میدانستند و آنها را منشاء خیر و شر دانسته برای جلب نظر و لطف آنها - آنان را پرستش میکردند .
و چون قوه تخیل مردم یونان قدیم تند تر از سایر ملل بود میان ایشان شاعر و هنرمند پیدا شد .

خدایان مردم یونان باستان ازدواج کرده و فرزند میآوردند و نیز دستخوش وجد و الم میشدند .

مهمترین خدایانی که مورد پرستش و قبول یونانیان اولیه بودند عبارتند از :

۱ - زئوس که مظهر آسمانی یعنی نازل کننده باران و برف و خداوند عدالت بود .

۲ - آرنمیس رب النوع ماه بود که بشکل زن شکارچی مصور میشد .

۳ - آپولون خدای خورشید و نور و موسیقی بوده است .

۴ - دمتر Demetre رب النوع خرمن و روزی رسان بود

۵ - سابتروپان خداوند مراتع و شبانان بود .

۶ - پوزیدون خداوند دریاها بوده است .

این خدایان مورد قبول همه بوده و آنها را حامی قسمتهای مختلفه میدانستند .

یونانیان اولیه عبادات را جلب نظر خدایان میدانستند و رسیدن بدین منظور را در اقسام ادعیه و هدایا میدانستند که مهمتر از همه نثار آب و قربانی بود در راه خداوند نثار آب چنان بود که از مایعی روان مانند شراب یا روغن چند قطره در راه خدا بزمین میریختند و قربانی ذبح میکردند مانند گاو و گوسفند و غیره نثار آب و قربانی را در وحلی بدون سقف جا معبد ترتیب میدادند و در ضمن مراسمی را رعایت میکردند که از خشم خدایان جلوگیری نماید .

مردم یونان اولیه به تفاهات علاقه و اعتماد زیاد داشتند هر سانحه ای که بوقوع میپوست در صدد برمیآمدند که اراده خدایان را در آن باب بدانند بعقیده ایشان اراده خداوند بعلاقمی مختلف مانند غرش رعد و مسیر پرواز طیور و گاهی تیز صدا کردن گوش و عطسه ظهور میکرد و آنرا تفأل مینامیدند .

اهالی یونان باستان در بعضی مواقع از خدایان استشاره میکردند و برای این کار بقاع متبرکی داشتند که هاتف خدایان شمرده میشد و بسئوالات ایشان جواب میداده است و برای این گونه مواقع بقاع و کهنه معروف عاصه بودند که از همه معروفتر حرم آپولون در لیف یونان بود . است .

مردم یونان باستان به آپولون خدای خورشید و نور اعتقاد زیاد داشتند و برای مشورت با او به دلف که یکی از نواحی معروف یونان بود میرفتند دلف در پای کوه پارناس در یونان قرار داشت آپولون اراده خود را توسط کاهنه ای بنام لاپیتی Lapythie نام بمردم میرساند .

روزی که برای استخاره و استشاره معین میشد لایبطی در کودالی در معبد آپولون در جایگاه مخصوص روی سه پایه ای می نشست و چون از او سؤال میشد با صدای ناله الفاظ مقطعی ادا میکرد که کهنه برای مؤمنین ترجمه میکردند و این ترجمه بستگی بمیل کهنه داشت .

از تمام بلاد یونان برای استخاره بدلف می آمدند برای ریختن شالوده يك آبادی یا اقدام بچنگ استخاره میکردند این کهنه علاوه بر نفوذ مذهبی نیز در سیاست دخالت میکردند هرگاه کسی مریض میشد بمعبد آپولون میرفت و شبی در آنجا در تاریکی میخوابید و در این شب بایستی خدا بر مریض جلوه کند و او را شفا دهد و یا وسیله معالجه را باو بنمایاند پس از آن کهنه مریض را طوری که خداوند دستور داده بود تحت معالجه قرار میدادند .

هنر و ادب در یونان باستان

هنر در یونان باستان بمدارج کمال رسید و بهمت پریکلس Priclos یکی از رجال نامی و قهرمان تاریخی یونان باستان باوج کمال و عظمت رسید .

آمار زیاد و مجسمه های جالب توجه که خاصه خدایان و بهارانان نامی یونان بود و مجسمه سازانی که آتن بوجود آنها افتخار میکرد ظهور کردند در اعیاد ملی عموم ملت جمع میشدند و هنرمندان هنر خود را بمنصه ظهور میرساندند بزرگترین هنرمندان آتن و نویسندگان و مورخین و فلاسفه در آتن جمع بودند .

حجاری ترقی شایانی کرد و در حقیقت حجاری را مذهب بوجود

آورده بود که صور خدایان را با سنك تراشیده معابد را زینت میدادند
مجسمه‌های آتن زنده ساخته شده و مخصوصاً آنها را برنکهای طبیعی
و برنك بدن با لباسهای ملون تهیه میکردند و مهمترین حجار میرون
Miron بود که کارهایش فوق العاده طرف توجه و نهجید قرار
گرفت نقاشی و کوزه گری نیز ارقی فوق العاده کرد.

گرچه از رنك دیوارها و عمارات چیزی باقی نیست ولی ظروف
که پیدا شده سبك و سلیقه یونانیان اولیه را در رنك آمیزی میرساند
که در چه مرحله ای از کمال است فن تاتر که در ابتدا جز خواندن
سرود ها یا رقصهای مذهبی چیز دیگری نبود ترقی فوق العاده کرد
و اغنیا مامور تهیه و تنظیم کارهای تاتر شده و بعضی اوقات جمعیت
تمشاشچی به سی هزار نفر بالغ میشد تاتر نویسندگان از قبیل اشیل
Eschile و سوفکل Sophocle و اورپیید Eurpide ظهور
کردند که با نوشتن تاتر های مهیج و آتشین حتی باعث جنگهای
خونین ایران و یونان باستان شدند و عده ای مورخ مانند هرو دوت و
توسیدیدو پلو تارك بنوشتن تاریخ باستانی یونان اقدام نمودند و عده ای
فلاسفه از میان ملت یونان برخاستند و در عالم طبیعت و خلقت بشر
غور کردند و بانواع علوم مانند ریاضی و هندسه و نجوم و فلسفه دست
زدند مانند تالس Thales و فیثاغورث Fythogyorec و افلاطون
و بزودی آتن شهر معروف یونان باستان مرکز تحقیقات علمی
و ادبی گردید.

افلاطون آتنی یکی از نویسندگان یونان باستان است که رتبه
فیلسوف اعظم دریافت نمود بدین ترتیب مردم یونان یگدغه به جستجوی

حقیقت پرداخته و دفعه ای بدنبال جهان رفتند و زیبایی شناسی مورد نظر قرار گرفت و چون مذهب صنعت حجاری را بوجود آورده بود بزودی مجسمه هایی از زیباترین اندام و زیباترین زنان که جنبه پرستش و مذهبی داشت ساخته شد و بهترین آثار صنعت حجاری بظهور رسید در نتیجه بزودی مردم یونان باستان بر تمام مردم جهان پیشی جستند که بواسطه رشك و حسد ملل دیگر موجب جنگهای خونینی بین آنان گردید .

نوشتن نمایشنامه که در عین حال مجسم کردن وضع اجتماعی یونان باستان و نمودار فکر مردمی هنرمند و شاعر بود زودی تعقیب گردید و تأثیر نویسانی مانند اشیل ظهور کردند .
اشیل از ۵۲۶ تا ۴۵۵ قبل از میلاد مسیح می نویسد .

نمایشنامه های او تأثیر عمیقی در وضع اجتماعی یونان باستان نمود اشیل در دوران زندگی ۹۰ نمایشنامه نوشت که یکی از آنها نمایشنامه ای بنام « ایرانیان » است که در زمان جنگ ایران و یونان نوشته بود که از نظر هنرمندی دارای اهمیت شایانی است .
اشیل علاوه بر هنرمندی مردی دلیر و رزم آور بود که در جنگهای یونان رشادت زیادی از خود نشان داد .

بخش هفتم

تمدن اولیه در ایتالیا

عادات اجتماعی و مراسم مذهبی

تاریخچه بردگی در روم

بازارهای فروش کنیز و غلام

وضع جغرافیائی ایتالیا و اهمیت شهر روم

ایتالیا شبه جزیره ایست که در دریای مدیترانه پیش رفته که بشکل پنجه‌ای در آمده است ایتالیا دارای یک موقعیت جغرافیائی خاصی است و منابع زراعتی فراوان دارد سلسله جبال آلپ از شمال بجنوب در این کشور کشیده شده و نیز دارای صخره‌ای در ساحل غربی است .

شهر روم پایتخت عالم قدیم در قلب ایتالیا بر فراز تپه‌های مشرف به رودخانه Tiber تیر بنا شده است در شمال ایتالیا سلسله جبال آلپ آنرا از اروپای شمالی و مرکزی جدا میسازد موقعیت جغرافیائی ایتالیا در دریای مدیترانه از نظر بازرگانی حائز اهمیت است و در مرکز دریای مدیترانه قرار گرفته و باینگاه تجارتی میباشد سابقه تجارتی ایتالیا دلیل بر اهمیت این کشور و حسن موقعیت آنست زیرا در قدیم تجارت ونیزی و ژنی در ایتالیا واسطه تجارت شرق و غرب یعنی آسیا و اروپا بودند و از این راه ثروت سرشار مشرق زمین بشوی شهرهای ایتالیا سرازیر شد رودخانه Po در جلگه شمالی ایتالیا جریان دارد و باعث حاصلخیزی قسمت شمال ایتالیا گرم و ناسازگار و زمستان آن معتدل است باران در زمستان شدت دارد محصول غو و مرکبات و جنگلهای بلوط آن مشهور است و وجود هوای خوب پیشرفت صنعت شراب سازی شده است بطوریکه شراب ایتالیا با شراب فرانسه رقابت میکند در طرف مشرق و مغرب ایتالیا را صحرایی چندی فرا گرفته است مواحل غربی ایتالیا بیش از قسمت شرقی اهمیت دارد زیرا از مواد آتش فشانی تشکیل یافته آب و هوای آن در زمستان ملایم است

و در تابستان خشك و گرم است این قسمت دارای درختان بادام است

زراعت گندم و زیتون و تربیت مواشی رواج دارد •

در جنوب ایتالیا کوه آتشفشان و زوو است که در شبها از قل

آن شعله آتش نمودار و روزها دود غلیظ بیرون میآید •

شهر روم در مرکز ایتالیا قرار دارد و این ناحیه بیش از سایر

نواحی جالب توجه است و در دامنه تپه های مشرف بندریا ساخته شده

است و از نظر تاریخی و مذهبی حائز اهمیت است •

عادات و وضع اجتماعی رومیهای اولیه

رومیا در ابتدا بصورت خانواده ها و قبایل زندگی میکردند

خانواده ها مشتمل بودند از پدر و مادر و اولاد و کسانی که بیک جد

و پدر انتساب داشتند و چند خانواده تشکیل يك قبیله را میداد اعضاء

يك قبیله جد مشترك را عبادت کرده و برای وی مراسم مذهبی م اجرا

میداشتند تمام اعضاء قبیله بنام قبیله خوانده شده و برای تمایز اسم شخصی

را بنام خانوادگی مقدم میداشتند •

ریاست قبیله با شیخ معروف بود آ اودر آن واحد پیشوا و قاضی

و در مواقع جيك فرمانده اعضاء قبیله بوده است •

افراد قبیله با یکدیگر اتحاد کامل داشتند مثلا اگر يك

نفر از اعضاء قبیله جریمه نقدی میشد تمام اعضاء قبیله در پرداخت

وجه شرکت میکردند هر قبیله صاحب املاکی چند بود مزارع

بعموم قبیله تعلق داشت و شیخ آنرا بوسیله کارگران زراعت مینمود

و این برزگران در تحت فرمان رئیس قبیله بودند در ابتدا

وضعیت کارگران چنین بود ورنج بسیار میکشیدند اما بعد اوضاعیت ایشان

رو به بهبودی گذارد و چنانچه جزء قبیله محسوب شود - حق رای پیدا میکرد .

بنابر مطالب فوق ملت روم قدیم فقط از دو طبقه بودند یکی خواص و دیگری برزگران .

غیر از دو طبقه فوق يك طبقه دیگر وجود داشت که بنام عوام خوانده میشد و اینها کسانی بودند که بامید زراعت و امرار معاش بروم آمده بودند و با طبقه خواص و برزگران ارتباطی نداشتند .

و در بدو امر از خواص کناره گیری میکردند و هیچ قبیله‌ای آنها را نمی‌پذیرفت و حتی اجازه مزاجت با خواص را نداشته و از حقوق مدنی و سیاسی محروم بودند ولی بعدها اجازه مزاجت با خواص با عوام داده شد و ایشان با عوام مراوده مینمودند زمام امور ملت روم را سلاطینی در دست داشتند که خود را برگزیده خدایان و منتخب ملت میدانستند .

هنگام فوت پادشاه مجلس شورای ولایتی پس از کسب نظریه خدایان در باره داوطلب سلطنت یکی از آنها را بسلطنت میرساند .
جوانان در روم قدیم در میدان مربع که یکی از میدانهای تاریخی و مشهور روم قدیم است ببازیهای مختلفه مانند پرتاب کردن زوبین و شمشیر بازی و سواری و دویدن با اسلحه و شنا مژغول بودند .
مردان رومی پیراهن بلندی آستین میپوشیدند که تا زیر زانو میرسید روی این پیراهن نیز پارچه پشمی بلندی که چهار متر و نیم طول و سه متر عرض داشت و شیشه بعبائی بود بر دوش می‌افکندند ولی این لباس مخصوص آزادان و ساکنین شهر ها بود و بیگانگان و غلامان

از پوشیدن آن ممنوع بودند .

لباس زنان رومی هم همان پیراهن بلند بود ولی روی آن جامه بلندی در بر میگردید و روی آن کمربندی می بستند در بیرون خانه نیز پارچه ای شبیه بچادر خانگی بر سر می افکندند .

در دوره امپراطوری روم قدیم که مصادف با بعد از تولد مسیح است وضع اجتماعی در روم قدیم تغییراتی نمود منجمله اینکه زندگی خانوادگی سادگی و صفای اولیه خود را از دست داد و زندگی هوس آمیزی مبدل گردید و در اینجا مردم بیشتر دل بتفریح و تماشا و جشن و شادمانی و مهمانی بستند و امپراطوران اینگونه زندگی را تشویق میکردند چه این قسم زندگی مردم را از مداخله در کارهای سیاسی باز میداشت بطوریکه هر سال در روم ۱۷۵ روز جشن و شادی بود و برخی از جشنها صد روز دوام داشت از اقسام تفریخها تئاتر و سیرك بود .

در تئاتر غیر از تئاتری که امروز هم معمول است يك نوع نمایشی کمدی بنام پانتومیم *Pantomime* وجود داشت که بازیگران آن صحبت نمیکردند و با حرکات دست و صورت احساسات خود را اظهار میکردند .

مردان رومی بیشتر بکارهای زراعتی و تفریح ایشان حضور در جشنها و تشریفات مذهبی و قربانیها و امثال آن بود زنان رومی هم هم غالباً در خانه بربستن پشم و پارچه بافی و کارهای خانگی مشغول بودند در روم اختلاف طبقاتی بشدت حکمفرما بود و مردم آن

بیچاره دسته تقسیم میشدند *

۱ - نجبا و اعیان (پاتریستوها)

۲ - خدمتگذاران تحت الجمایه (کلیانها) *

۳ - عوام و رعایا بلبها *

۴ - بردگان *

هر يك از این طبقات وضعیت اجتماعی خاصی داشتند *

زندگی نجبا و اعیان

۱ - نجبا و اعیان - در روم قدیم و همچنین در

یونان آزمان خانواده مرکب از یک عدد اعضاء اصلی و جمعی

از خدمتگذاران بود که تحت سرپرستی و ریاست یک نفر بنام پدر

میزبستند مفهوم لفظ پدر در نزد آنان اقتدار و اولویت رئیس خانواده

بوده است چنانکه پسران و برادران و خدمتگذاران و بردگان همگی

او را پدر می گفتند *

چون انجام مراسم دینی منحصراً پدر خانواده بود از قدرت

روحانی بر سایر اقتدارات او افزوده میشد املاك خانوادهگی بر رئیس

خانواده تعلق داشت و بمیل خود میتوانست آنها را بین افراد خانواده

و تحت حمایتگان تقسیم نماید همچنین بر رای تصرف در وجوه نقد

خدمتگذاران خود صاحب اختیار تام بود و میتوانست برای رفع حوائج

خویش نقدینه آنها را مصرف نماید علاوه بر این طبق قانون

قدیم روم نسبت با افراد فایز و مختار طاق بوده رسیدگی بامور قضائی

نیز از حقوق مخصوصه وی محسوب میشد *

در موقع تشکیل مجالس ملی پدر خانواده بستگان و تحت

الحمایگان خود را برای قدرت نمائی هم-راه میبرد ولی چون هر خان-واده ای حق يك رای داشت در حینی كه هر تحت الحمايه قانونا نمیتوانست نظریه ای مخالف رای پدر بدهد رئیس با آنها مشورت میکرد .

موقعیكه پدر میمیرد پسر بزرگ او جانشین وی وعهده دار تصدی امور دینی و ملكی وقضائی خانواده میگشت . در اینصورت برادران كهتر و سایر افراد فامیل او رامثل رئیس سابق محترم میداشتند كسانيكه نسبتشان بپدر خانواده ای میرسید مزایای فوق العاده ای نسبت بخدمتگزاران و بردگان داشته و منحصر ا حق تملك وانجام شعائر مذهبی مخصوص بآنان بود وامتیاز خداداشتن و دعا كردن را از پدر وارث میبردند زیرا روایات وادعیه و مراسم دینی و عباراتی كه بزعم آنها در خدایان موثر میباشد فقط از پدر به پسر منتقل میشد .

بدین ترتیب از مقامات و امتیازات دینی تنها افراد اعیان استفاده میکردند .

عنوان ملت روم فقط بابین طبقه و تحت الحمایگان آنها اطلاق میگشت چنانكه ضمن دعایی از خدایان درخواست میشد كه نسبت بمات و طبقه رعایا مهربان باشد .

مخارج سپاهیان را بجای اینکه درات پردازد اغنیا میدادند لذا صنف سوار كه بهترین و والا ترین صفوف نظامی آن زمان بود از افراد متمول تشكيل شده بود .

بهترین آلات حرب و مقدم سپاه همیشه مخصوص طبقه اعیان

بود زیرا شرکت در جنگها را یکی از افتخارات خود میدانستند این طبقه رعایا را بسبب اینکه از داشتن مذهب و خانواده محروم بودند همواره حقیر شمرده حتی مسکن آنها را دور از کاشانه خود قرار میدادند .

سراسر زندگی نجبا و اعیان بچنگ و ورزش و شکار و پر-خوری و تحصیل غنائم و خوشگذرانی در آغوش زنان و ماه-رویان میگذشت و حال آنکه دوران حیات مرارت بار افراد طبقات دیگر صرف تهیه و تامین ملزومات آسایش اعیان میشد مدینه جانی بود که خدایان ملی در آنجا قرار داشتند و عنوان مدنی خود یکی از حقوق و القاب سیاسی بشمار میآمد .

ولی بعدا طبق قوانین کسانیکه فاقد پدر خان-واده باشند و باصلاح اصالتی نداشته اند از عنوان و مزایای مدنی بی نصیب میماندند .

۲- زندگی خدمتگذاران تحت الحمایه ارباب

این طبقه افراد آزادی بودند که تحت الحمایه متمولین و در منازل آنان بطبابت و خزانه داری و سایر امور خانگی مشغول بوده و ظاهرا یکی از میراث پدران محسوب میشدند عده آنان در هر خانواده متفاوت و گاهی جمعیت انبوهی را تشکیل میدادند مثلا خانواده فابیوس که کشت باقلا را در روم رواج دادند و باین نام ملقب شدند خود ۳۰۶ نفر بودند ولی چهار هزار خدمتگذار تحت الحمایه داشتند .

خدمتگذارانیکه نسبشان به تحت الحمایه یا بنده آزاد شده ای منتسب

میشد زیر دست افراد اصلی خانواده بوده رهائی ایشان از این زیردستی امکان نداشت .

چنانکه گفتیم پدر خانواده میتواندست تقدینه خدمه خود را در راه وضع حوائج خویش خرج نماید .

لذا در قانون قدیم روم موادی دیده میشد که بموجب آنها خدمتگذاران تحت الحمایه می باید جهیزیه دختر رئیس خانواده را مهیا و تقدینه و فدیة او را بپردازند .

خدمتگذاران چون از نسل پدر نبوده و بنا بر این مراسم مذهبی را از او بارت نمیبردند ، افراد اصلی خانواده از نقطه نظر دینی اختلاف داشته و اجرای شعائر دینی آن خاندان بدست او ممنوع بود وی در مراسم دینی بشرط آنکه افراد اصلی خانواده از جانب او قربانی کند مایه نداشت حتی در غیبت افراد نجبا و اعیان انجام آداب دینی از طرف تحت الحمایگان ممنوع بود لذا اگر خانواده ای منقرض میشد اجرای مراسم مذهبی آن متروک میکشت تحت الحمایگان گذشته از اینکه طبق قانون روم از اظهار نظریه مخالف رای پدر خانواده ممنوع بودند جز بوساطت و همراهی او نمیتوانستند در معابد و مجامع شرکت نمایند و گاهی خدمتگذاران از درگاه حامی خود رانده میشد در اینصورت از کلیه رسوم خانواده محروم و جزء رعایا محسوب میشدند .

۳ - زندگی رعایا

رعایا پست ترین توده مردم آزاد روم بودند که از اقوام لاتین بشمار میرفتند این گروه که سابقاً مقرب رومیان گشته و رفته رفته

بسبب اهالی این کشور دز آمده بودند چنانکه خانواده‌هایی که بساختن خدای مخصوص و مراسم مذهبی و سرودها و ادعیه دینی توفیق نیافته و یا آداب خود را فراموش میکردند کسانی که مرتکب جرایمی که آنها را از اقامه شعائر مذهبی ممنوع میداشت میکشند خدمتگزارانی که حامی خود را ترك گفته و یا از آنجا رانده میشدند دهاقینی که دهات خود را ترك کرده و در شهرها مسکن میگرفتند و یا نمایندگانیکه از قید رعیت رهایی مییافتند و اطفالی که از دواج‌های غیر قانونی بوجود آمده بودند و بدین سبب از مذهب خانوادگی محروم میماندند عموماً جزء افراد رعایا محسوب میشدند.

در اینصورت میتوان گفت مقررات اجتهاد - اعی روم اولیه - موجب اختلاف فاحش طبقاتی و موجب این گروه بود مسکن اینان مناطق مخصوص روم بود و حدفاصلی آنها را از محیط مقدس خدایان مدینه جدا مینمود.

قبلاً گفتیم که دخول در مدینه یعنی محل خدایان ملی برای رعایا ممنوع بود و با اینکه چندی بعد جماعتی از این مردم از خارج بروم میآمدند چون نسبت به مذهب خدایان ملی بیگانه بودند از ورودشان در آن ناحیه جلوگیری میکردند.

طبقه رجال و اعیان رعایا را بعلمت اینکه اجداد مقید و مشخص نمیداشته حقیر شمرده و آنانرا بیدین خوانده میگفتند (این قوم را نیاکانی نیست) و یا (آنانرا خانواده نیست) یعنی از داشتن خانواده ای که متکی بر اساس مذهب باشد ممنوعند.

بنا بر این افراد سرشناس رعایا نه تنها از سلطه پدری خانواده

یعنی قدرتی که مذهب بروسای فامیل بر خوردار نمیشدند و حدود آنها که منحصر بتسلط ذاتی و طبیعی پدر بر فرزند بود بلکه چون هر گونه تملك بدون داشتن صورت دینی ارزش قانونی نداشت از حق مالکیت نیز محروم بودند مخصوصا در مورد اراضی کسانی که مالك زمین شناخته میشدند که در آن آتشکده و قبرستان داشته باشند لذا افراد طبقه رعایا نمیتوانستند زمینی را مالك شوند.

بنابر این خدمتگزاران و غلامان مزارع را بطور امانت در اختیار داشته و اگر یکی از آنان میمرد رئیس خانواده مزرعه ویرا بدیگری میسپرد علاوه بر محرومیت های فوق چون قوانین زاده مذهب و متکی بر اصول دینی بود فقط متدینین از حمایت قانون بر خوردار میشدند در این صورت بی دینان یعنی رعایا دائما دچار ظلم و تعدی مافوق خود بوده و کمتر اتفاق می افتاد که ضارب آنانرا مجازات کنند.

تاریخچه بردگی در روم و یونان باستان

در شمال غربی ایتالیا اقوامی دریانورد که اتروسک نامیده میشدند سکنتی داشتند و با سقاین خود بسواحل اطراف مخصوصا شمال افریقا و حدود کارتاژ رفت و آمد میکردند اینان ضمن ایاب و ذهاب کشتیها و قراء ساحلی بین راه را غارت میکردند و مردم آنها را مقتول و زنان و اطفالشان را باسیری برده به متمکنین و متهملین رومی میفروختند مخصوصا چون سابقه عداوتی بین رومیان و یونانیان موجود بود طرفین در مواقع مقتضی بقراء و کشتیهای یکدیگر حمله زده اسرئی تحصیل بی بازار برده فروشان کشور خود میفروختند بعدها در اثر جنگهای بزرگی

که بین رومیان و سایر دول آنروزی بخصوص کارتاژ شهر تجارتی
 فنیقی های دریانورد و یونانیان رخ داد و غالبین سکنه بلاد مغلوبه را
 طبق مرسوم بعنوان اسارت و بردگی و بندگی بمملکت خود آوردند:
 طبقه خاص بردگان در جامعه رومی و یونانی پدید آمد بطوری
 که یکی از سرداران رومی در یکنوبت ۳۵ هزار نفر از اسرای کارتاژ
 را فروخت و اسکندر مقدونی پس از آنکه در سال ۳۳۵ قبل از میلاد
 شهر تب را با خاک یکسان کرد شش هزار تن از اهالی را مقتول و سی
 هزار را اسیر و بعنوان بردگی بمزایده گذاشت و مجموع آنها را به
 پنجاه و پنج هزار فرانک فروخت بزودی عده بردگان در روم باستان
 و همچنین در یونان روبه تزايد گذاشت و علت آن قیام رعایا و
 عکس العمل اعیان در قبال مجازات آنان بود.

افراد رعایا که در اثر فقر فوق العاده قدرت تهیه معاش خود را
 نداشتند و از مظلالم اعیان نیز در منتهای سختی روزگار میگذرانیدند
 بالاخره دست بانقلاباتی زدند در قبال طغیانهای اینسان نجبامتمول نیز
 نقشه ای کشیدند تا آنانرا از راه قانونی در زمره غلامان خود در-
 آورند یعنی حق آزادی را هم که تنها طبقه قانون بایشان می بود از
 آنها سلب کردند.

لذا تصمیم گرفتند با پرداخت وجوهی جزئی باریج سنکین صدی
 ۱۲ تا صدی ۲۵ آنانرا مدیون ساخته بدام اندازند.

توضیح اینکه طبق قانون روم بدهکار در صورت عدم استطاعت
 مجبور بود بچه خود را بفروشد و بدهی خود را بپردازد و هرگاه
 نمیدادخت او را بمحاکمه جلب میکردند حتی اگر در اثر بیماری

یا پیری قادر بحرکت نمیبود بدون آنکه تخت روانی باو بدهند
 سواره ویرا بمحاکمه میاوردند ابتدا سی روز باو مهلت داده میشد اگر
 در این مدت قرضه خورد را ادا نمیگرد طلبکار مدیون را با تسمه یا
 زنجیری که وزن آن از درمن متجاوز نمیبود بسته درخانه نکه
 میداشت چنانچه پس از شصت روز بازهم طلب وی و سول نمیشد او را
 میفروخت یا بنده خود میکرد و اگر طلبکار متعدد بودند او را قطعاً
 میکردند مخصوصاً در قانون گفته شده بود چنانچه عده قطعات بدهکار
 بیش از عده هستانکارانش شود بر ایشان جرمی نیست با اینحال طبقه
 اعیان و اشراف با دادن قرضه کمی بخوبی میتوانستند افراد طبقه عوام
 را غلامان خود ساخته طبق قانون از فعالیت مبارزاتی ایشان مقـدار
 زیادی بکاهند .

بینوایان گرچه ابتداءتوجه نقشه و حيله اعیان شده و حتی الامکان
 تن باستقراض نمیدادند معذلك فقر فوق العاده و عدم هم آهنگی کامل
 مبارزات و همچنین آنانرا مجبور بتسلیم و گرفتن وام از اعیان و
 رجال مینمود و گیرندگان قرض ناچار خود را درقبال وجوه دریافتی
 تحت اختیار طلبکاران میگذاشتند بطوریکه ای مراسم معامله تملك
 دامن بر مدیون محرز میگشت .

رعایا برای اینکه از بندگی اعیان احترام کرده و آزادی
 خود را در برابر مدت کمی هم شده از دست ندهند مخصوصاً در
 موقع استقراض شرط میکردند که تا زمان دین کاملاً آزاد باشند ولی
 با اینحال چون عدم استطاعت مقروضین پرداخت قرض بدهی بود
 بالاخره طلبکار بمقتضای موازین قانونی مدیونرا بجبر و عنف بخانه

خود که در نظر عواد هیچگونه وجه تمایزی با زندان نداشت برده
 بخدمت وادار میکردند یا او را در قبال طلب خویش میفروخت بدین
 ترتیب جماعت انبوهی از رعایا نصب بردگان و بردگان را
 پیوستند .

یکی دیگر از علل تزايد بندگان در روم و یونان باستان از میان
 رفتن طبقه مالکین جزء بود که شرح آن بدینقرار است .

در ۲۰۰ سال قبل از میلاد مسیح دولت روم و یونان دوچار
 جنگهای خارجی شده عده ای از زارعین که مالکین جزء بودند و
 مجبورا در جنگها شرکت میکردند اسیر و جمعی مقتول و گروهی
 نیز در خدمت نظام باقیماندند بشغل سابق خود بر میگشتند از طرفی در
 همین اوقات غلات زیادی از سایر نقاط بریتانیا وارد گشته و در اثر
 تنزل قیمت غله زراعت معاش زارع را تامین ننمود لذا دهاقین بی بضاعت
 املاک خود را باغنیاء فروخته یا برهن ایشان میدادند در صورت اخیر
 چون نمیتوانستند با پرداخت وجوه دریافتی ملك خود را از گرو باز
 گیرند ناچار زارع آنها بملك طلبکار در میآمد مخصوصا اینگونه اراضی
 در یونان که مقارن این احوال بتصرف رومیان در آمده بود زیاد
 دیده میشد .

اعیان آنجا نیز املاک کشاورزان فقیر را ابتدا بگرو گرفته
 و پس از چندی در قبال طلب خود تصاحب کرده و نهایت محبت
 بمدیون را در این میدانستند که همان ملك را با چاره اش بدهند در این
 صورت پنج ششم محصول بار باب و يك ششم بزارع یعنی مالك
 اصلی میرسید .

موقعیکه مزرعه را بگرو میدادند اعلانی در آن نصب میکردند که این زمین بفلان مبلغ در گرو فلان شخص است و از این قبیل آگاهی ها در مزارع روم و یونان باستان زیاد دیده میشد بدین ترتیب رفته رفته مالکیت های دسته جمعی و جزئی بفردی و کلی تبدیل یافته عده کثیری از کشاورزان بروزگار بردگی و بدبختی افتاده بجماعت بندگان پیوستند تا آنجا که زمان رونق بازار بردگی عده افراد آزاد شهر آن در یونان نود هزار بود و جمعیت بردگان سیصد و شصت و پنج هزار و اقلیت های خارجی و بندگان آزاد شده قبلی که در آن سکونت داشتند چهل و پنج هزار نفر •

در روم نیز بسیاری از دهات و قصبات از آن مالکین گشته زارعین آنها مبدل ببندگان شدند که بمنفع صاحبان خود زراعت میکردند •

الفروش و بهای بردگان

مانند سایر امتعه تجارتی تابع قانون عرضه و تقاضا بوده گاهی گران و زمانی ارزان میشد •

موقعیکه سپاهی عازم میدان جنگ میشد، گروهی از دلایان و تجار برده بدنبال آن حرکت میکردند تا اسراء را بعنوان برده از فاتحین بخرند و بازار برده فروشی سوق دهند اگر جمعیت اسیران بطوری فراوان بود که فروش فرد فرد یا دسته دسته آنان شکل می نمود فاتحین جمعلگی را بهزایده میفروختند و الا آنها را بدسته های کوچک تقسیم و بقیمت های متفاوت بفروش میرسانیدند •

بهای بردگان در روم و یونان قدیم بستگی داشت با تعداد بردگان در بازار فروش •

موقعی که در میدان جنگ اسرای زیادی بچنگ میآمد و زمینه این کالا در بازار فراوان میگشت بهای بردگان تنزل فاحش میکرد و زمانی که بین دول متخاصم صلح و صفائی وجود داشت و تجار برده از تحصیل دستجات غلام ناامید میبودند بهای بردگان موجود را چند برابر میکردند.

معمولاً پس از جنگ بهای يك اسب سواری خوب در روم دوهزار ریال و قیمت انسان که روزگار بردگی افتاده بود چهل تا پنجاه ریال میشد پس از فتح روم میان در سارد که یکی از ایالات ایران باستان بود برده کردن اهالی آنجا بهای غلامی که هزار و پانصد فرانك بود بچم رده فرانك تنزل کرد.

پس از آنکه اسرا را بی بازار برده فروشان میآوردند بگردن هريك از آنها ورقه ای که حاکی از صفات و معایب و سن معلولات و سایر مشخصات وی بود آویزان کرده بهای او را بر حسب وضعیت و خصوصیاتش معین مینمودند مثلاً چون حاصل دسترنج بردگانیکه طیب یا موسیقی دان یا رقاصه یا آوازه خوان یا صنعتگر بودند عاید صاحبانشان میگشت تا بیست برابر قیمت سایرین خرید و فروش میشدند بدین ترتیب بهای بعضی از غلامان بسی هزار فرانك میرسید.

یکی از فلاسفه یونان معتقد بود که وجود بندگان در خانواده ضروری است و میگفت چون مردم از لحاظ فهم و هوش استعداد برابر نیستند لذا باید اشراف و توانگران عده ای را برده و غلام خود سازند تا بفرات و آسودگی وظائف خود را انجام بدهند.

ارسطو عقیده داشت که بردگان در حکم بهائم و به منزله آلات و

دادوانده منتها این بردگان ادوات و آلات جاندارند، برای حرکت در آوردن ادوات بیجان ادوات جاندار لازم است عقیده داشت که بردگان باندازه اینکه دلیل آقامی از باب را بپهنند شعور دارند، طبیعت غلام را غلام خلق کرده و آقا را آقا.

بطور کلی بردگان از هر گونه حقی که بتوان برای يك فرد بشر فرض نمود بی نصیب بوده اند.

مالکین و اعیان دارای دواسته از بردگان بودند که قسمتی در کارهای فزائی و جمالی و میرزائی و آشپزی و مهمتری و مقلدی و رقاصی و نوازندگی و نساجی و درودگری و اسلحه سازی میپرداختند و قسمتی دیگر در املاک خارجی مالکین بزرگتر و باغبانی و آبیاری یا شبانی مشغول بودند و غلامان روستائی نا امید میشدند و دسته اخیر تحت نظریه ای که خود از بردگان میبود، امور مرجوعه را انجام میدادند.

برندگان مجبور بودند که تمام و سراسر ایام سال را با ششای روزهای آخر ماه دسامبر که موقع جشنهای ملی بود کار کنند.

دولت و مردم نیز به متابعت از سلاکین که بیشتر خدمه خود را از غلامان انتخاب میکردند.

از بندگان را در دوائر دولتی و امور انتظامی بکار و ایجاد اشتغال و تقسیمی به بار و زدن سفاین داشتند.

بطور کلی قوانین روم و یونان اولیه غلام را انسان نمیدانست و در مواقع سه نوع ابزار و آلات در روم و یونان رواج داشت.

افزاده های جاندار و زبانداز مثل غلام.

۲. افراد های جاندار و لال مثل دامها و جانوران *

۳. افزار های بیجان مثل تیشه و تبر *

بنده ابرا که در انجام امری کوتاهی میکرد شلاق میزدند ،
زنجیر میکردند ، با آسیا میبستند و با جگر معادنش میگماشتند و سر-
انجام در زیر زمینهای مخصوصی مجبوس میکردند و چنانچه گناه او
حائز اهمیت بیشتری بود بدارش میآویختند *

گلادیاتور ها

* کسانی که با حیوانات می جنگیدند *

غلامانی بودند که لباس مخصوص در بر میکردند و با حیوانات
درنده در افتاده یا مقابل و یا مغلوب میشدند *

این بردگان بمنوا برای اطفاء نائر شهوت و عیاشی صاحبان خود
مجبور بودند با حیوانات درنده گلاویز شده مرگ فجیعی را پیشوا بکنند
گلادیاتور ها بیشتر از محکومین باعدام و غلامان و اسرای
جنگی تشکیل میشد و گاه برخی از مردمان آزاد متهور نیز ب- رای
کسب شهرت در اینکار شرکت میکردند *

گلادیاتور ها پیش از آنکه با هم بچنگ بپردازند مقابل جایگاه
امپراطور گرد آمده فریاد میزدند « قیصر امپراطور روم سلام بر تو-
کسانی که بجانب مرگ میروند ترا درود میفرستند » *

اینگونه جنگهای خونین و وحشیانه که تصور آن هم امروز باعث
تغفر و انزجار خاطر هاست مایه سرور و تفریح رومیان بود و نمونه ای
از آن هم امروز در گاو بازی مردم اسپانی دیده میشود و گاه میدان
آقای تانگو را بدربارچه ای مبدل میساختند و در آن جنگهای آبی میکردند

و گاه گلابانورها را با حیوانات درنده ای مانند شیر و ببر بچنگ می‌داختند و این شکنجه ها بطرزی که گفته شد مخصوص غلامان بود رومیان پس از آنکه با ملل مشرق سپری گرفتند ثروتهای هنگفتی را بدست آوردند ثروت بسیار این طبقه بر آن شد که بتقلید اشراف مشرق زمین برای خود قصر های مجللی و اثاثیه گرانبها و غلامان فراوان و ظروف و آلات زرین ترتیب دهند .

اگر غلامی فرار می‌کرد یا از اطاعت امر آقا سر می‌پیچید دولت ارباب را در گرفتن و مطیع کردن او کمک میداد .

لذا اساس نقشه رجال و اعیان این بود که رعایا را برده سازند بطور کلی بنده موظف بود که نسبت بفرامین صاحب خود اگر چه او را امر بچنیناات متعدد نماید مطیع مطلق باشد بعضی غلامان خود را کرایه داده و از اینراه اعاشه میکردند زنان نیز درباره بیداد گری نسبت بغلامان دست کمی از مردان رومی نداشتند گاهی در حق بردگان چندان ظلم و تعدی میکردند که مره ان قسی القلب را باستر حام برای آن بهنوایان و امید داشتند .

زورنال شاعر که یکی از طرفداران بردگان بود صاحب شوهری را با زن خود که بنا بمیل و هوس امر بشکنجه کردن غلامش کرده بود چنین می‌نماید .

« شوهر - مگر مستحق مجازات بود که او را شکنجه کردید و قتیکه مسئله محکوم کردن يك نفر آدم در میان است باید قدری فکر کرد و تأمل نمود » .

« زن - یاوه مگو مگر غلام هم آدم است میل داشتم او

را شکنجه نمایم بیگناه یا گناهکار ، باید بمیرد میل من چنین است .
 همین شاعر شقاوت بانوی دیگری را که امر بشلاق زدن غلامش
 کرده بود و سپس بکارهای متفرقه پرداخته شرح میدهد و بانوی
 مذکور بدون اینکه متوجه حال غلام در حین شکنجه باشد مشغول
 کارهای متفرقه خودش از قبیل آرایش ، خواندن شرح وقایع روزانه
 پذیرایی از دوستان ، کشیدن نقوش در روی جامه میبردازد .

غالب بردگان را زنجیر و پابند میزدند و حتی بعضی از باروندگان
 سفاین چون ساکنین سواحل بوده و بشنا آشنا بودند برای جلوگیری
 از فرار آنها را با زنجیر بسفاین می بستند .
 ازدواج بندگان موکول با اجازه صاحبان آنها بود و اولادیکه از
 ایشان بوجود می آمد بخواجهکان تعلق داشت .

لذا ارباب همه خوابه ای بغلام میداد و هر وقت میخواست از
 او میگرفت .

برده ای که آزاد میشد میباید مادام العمر مطیع آزادکننده خود
 باشد ولی باستثنای حق خدمتگذاری .

در تشکیلات نظامی و اداری شرکت نموده و از سایر حقوق مالیت
 روم بهره مند میشد .

مراسم مذهبی در روم باستان

مذهب در روم قدیم مقام بسیار مهمی را حائز و اساسی بود که
 خانواده بر روی آن قرار داشت .

عبادت رومیها عبارت بود از يك سلسله حرکات و اعمال مشکل
 که بر مراسم مخصوصی بجای می آوردند و نیز دعاهای چندی که بدون

تمایل قلبی میخواندند .
 هرودت مورخ یونانی میگوید که مصریان بیشتر از سایر
 افراد بشر عقید به مذهب هستند در صورتیکه رومیها در طرز عبادت و
 پرستش خدایان بر مصریان و ملل اولیه برتری دارند .
 خدایانیکه جلب مساعدت آنها برای رومیها ناگزیر بودیم بوجه
 ارباب انواع یونانی یعنی آن وجود عالی مرتبه و فنا ناپذیری که هر
 يك سرگذشت مخصوصی داشته شهادت ندانست رومیها برعکس اطلاع
 صحیحی در باره خدایان خود نداشتند اگر احمیتنا اسم خدائی معلوم
 بود افراد در موقع عبادت برای اینکه بهتر مطمئن شوند جهاتی ادا
 میکردند .

رومیهای اولیه جهت ارباب انواع و خدایان خسود مجسمه ها
 میساختند و معبد ها بنا میکردند زیرا عقیده داشتند که خدایان در
 اغلب اشیاء و موجودات از قبیل درب عمارت آستانه خانه شعله اجاق
 و غیره وجود دارد و آنها را بشکل سنگ و سر نیزه نمایش میدادند عده
 خدایان فوق العاده زیاد بود زیرا هر يك يك سمت داشتند و در امر
 معینی دخالت میکردند رومیان معتقد بودند علاوه بر آنکه خدای مخصوص
 تمام افراد بشر را حفظ میکند .

رب النوع مخصوص اولین فریاد را بطفل یاد داده و دیگر
 آشامیدن و دیگری خارج شدن و خدای دیگری مراجعت بخانه را
 بآن طفل می آموزد و نیز معتقد بودند که خدای مخصوصی در موقع
 شخم زدن و خدای دیگری در موقع درو و برداشت محصول و خدای
 دیگری در موقع آفشاندن بذر زارع را محافظت میکند .

یکی از نویسندگان رومی بشوخی نوشته است که ((عده
خدایان ما بیشتر از افراد ملت است)) و این موضوع خود دلیل بر کثرت
خدایان رومیان اولیه است.

رومیان برای رب النوع فلاحت يك خوكو برای رب النوع آتش
يك بز قربانی میکردند.

شرابی که هنگام اجرای مراسم مذهبی بزمین میریختند باید از
شماره گستانی باشد که در آنجا کسی از آنها نکرده باشد آبی که در موقع
قربانی استعمال میشد از چشمه می آوردند.

گاهی رومیان شراب و گل و میوه و شیرینی بعنوان هدیه بخدایان
تقدیم میکردند.

چون رومیان از رنجش خدایان میترسیدند قبل از اقدام بر
کاری رای آنها را استعلام میکردند رومیان خیلی موهوم برست و
زود باور بودند و این اخلاق در بین ایرانیان امروز هم دیده میشود که
در نتیجه مبارزه با خرافات امید است برطرف گردد.

در روم اولیه شیخ قبیله مجری مراسم بود و نیز خدای
سلطنتی وجود داشت که کشیشان بامر حکومت مجری مراسم مذهبی
در باز بودند و خدای سلطنتی محافظه انکت بود و نیز خدای شعله اجاق
را که Vesta نام داشت پرستش میکردند و مادر خانواد
به توجه مخصوص بان داشت و موظف بود همیشه اجاق خانواد را روشن
بگذارد.

در آخر دسامبر که روزها بلندتر و آفتاب گرمتر میشد جشن
بزرگی منعقد ساخته و وجد و شغف میکردند بین افراد خانواده رابطه

محبت محکمتر میشد غلامان اجازه داشتند سرمیز خانواده حاضر شوند و رئیس قوم بشخصه برای ایشان غذا می آوردند عید سال نواز و پائیان از آن زمان پیادگار مانده است *

بالاخر از خدایان خانواده خدایان بزرگی بودند که دولت بدون مشارکت آنها را میپرستیدند *

(مشهورترین آنان ژانوس، وستا، ژوپتیر است) *

همانطوریکه هر خانواده برای درب خانه يك رب النوع داشت بنام ژانوس و نیز برای شعله اجاق يك وستا بود دولت نیز بژانوس و وستای مخصوص معتقد بود ژانوس رب النوع دروازه بزرگ شهر روم بود و وستا رب النوع آتشکده ملی بود و هیچگاه نمیکذاشت خاموش شود بالاخره ژوپتیر خدای آسمان و طوفان محسوب میشد و او را بزرگترین حامی شهر روم میدانستند و او را خدای مهربان خطاب میکردند *

سازمان و افتخارات لشگری

در روم قدیم کسانی که استطاعت تهیه اسلحه و اسب داشتند وارد سپاه شده و ارتش روم را تشکیل میدادند *

اسلح سربازان کلاه خود و جوشن و سپر و نیزه بود برای قلعه کوبی نیز منجنیقهای داشتند که سنگهای بزرگ را تا ۵۰۰ متر پرتاب میکرد هر دسته بیرقی داشتند که در روی آن عقابی منقوش بود سربازان میانه بالا و ورزیده و زورمند بودند و سرداران رومی جز مردان سالم و قوی را بخدمت سربازی نمی پذیرفتند زیرا سربازان رومی وظائف و تکالیفی داشتند که از عهده هرکس

ساخته نبود و هر يك بكار استحکام اردو و سنگر بندی و امثال آن میپرداختند و ساختن راهها نیز از جمله وظائف ایشان بود یکی از علل عمده سربازان فتوحات سپاه روم اطاعت کامل سربازان از افسران و مقررات سخت نظامی بوده است .

سربازان رومی اوامر افسران خود را بی چون و چرا گردن مینهادند مجازات سربازانی که از احکام نظامی سرپیچی میکردند یا در جنگ از پیش دشمن میگریختند اعدام بود .

اینگونه سربازان را مامورین مخصوصی نخست بچوب می بستند و بسیار میزدند سپس اعدام میکردند و هرگاه خیانت از جانب دسته بزرگی از سربازان سرزده بود ایشان را بدسته های ده نفری تقسیم میکردند و از هر دسته یک نفر را بحکم قرعه اعدام میکردند بقیه را را نیز هنگام جنگ پیش قراول سپاه میساختند و جز نان - و چیز دیگری نمیدادند پادشاهای نظامی عبارت بود از اعطای اسلحه و نشان یا تاج افتخار و گاهی نیز دادن انعام و اضافه حقوق و امثال آن .

هر وقت که سرداری در جنگی بزرگ فاتح میشد بعنوان امپراطور مفتخر میگشت و بافتخار او جشنی گرفته میشد این جشن در معبد ژوپیتر در قسمت غربی شهر روم انجام میگرفت .

سردار فاتح هنگام ورود بشهر در ارابه عاجی می نشست درحالی که صورت خود را مانند مجسمه های قدیمی خدایان برك شكسرف آراسته و تاجی از برك درختی مخصوص بر سر می نهاد پیشاپیش ارابه او اسیران و غنائم جنگ را حرکت میدادند و از دنبال او سربازان رومی سرود فیروزی میخواندند سردار فاتح با چنین شوکت و جلالتی بمعبد

بزرگترین خدایان روم میرفت و چون بمعبد ژوپیتر میرسید قربانی
هایی چند تقدیم میکرد پس از هر فتحی سربازان رومی معمولاً بغارت
اردو و یا شهر دشمن میپرداختند غنایم جنگی بفروش میرسید و وجه
آن بر خزانه دولتی افزوده میشد *

طرز انتخابات و شوراهای محلی

ملت روم بجای اینکه عده ای را انتخاب نمایند که ایشان
کارهای ملت را بدست عده ای وزیر و مدیر کل بدهند افراد یک شهر
دور هم جمع شده حکام و مستخدمین خودشان را معین میکردند هنوز
هم این ترتیب در بعضی از ولایات سویس مجری میشود *

این نوع حکومت را مستقیم نامند افراد این اجتماعات میبایست
همه از اهالی آن شهر باشند و یا حق ملیت بآنها داده باشند و این
اشخاص حق داشتند بدرجه کنسولی برسند *

در روم مردم از هر طبقه دور هم جمع میشدند و انجمنی
ترتیب میدادند در این انجمنها فقیر و غنی کاملاً باهم بودند ولی باز این
انجمنها طوری ترتیب داده شده بود که بنفع متمولین و بضرر طبقات
پست بود از ۳۵ انجمن که بدین ترتیب تشکیل میشد چهار انجمن
مخصوص شهر نشینان بود که بانها انجمن شهری میگفتند و ۳۱ انجمن
هم مخصوص روستائیان بود و به آنها انجمنهای روستایی میگفتند *

شاید با این تقسیم فکر نمائید که حتماً در این انجمنها طبقات
بی بضاعت بر متمولین برتری داشتند لیکن متمولین با استفاده از ماده
قانونیکه متمولین میتوانند در انجمنهای روستایی هم شرکت نمایند *

و طبقات دیگر از آن محرومند در این انجمنها نیز اکثریت

را میبردند محل تشکیل این انجمنها در میدانیکه از شهر خارج بود و آنرا میدان مریخ میگفتند تشکیل میشد و مردم در آنجا جمع میشدند در دو طرف این میدان دو تپه ای بود که در طول انعقاد مجلس دو پرچم بر فراز آنها باهتزاز بود و هرگاه اوضاع نامناسب میشد یعنی دشمن بانها روی مینهاد و یا اینکه طوفان و باران می آمد مجلس منحل میشد و بیرقها را پایین میکشیدند در موقع اخذ رای در ورقه که روی یکی علامت منفی یعنی نمیبذیرم و روی دیگری علامت مثبتی یعنی می پذیرم بود بمردم میدادند و تمام آراء در همان روز اول خوانده میشد حکام شهرستانها در همان میدان مریخ بوسیله ملت تعیین میشدند و مواقع آن در ماه ژوئیه بود *

کاندید های مجلس در میان مردم در گردش بودند و این اشخاص بوسیله معرف معرفی میشدند و کاندید ها بعضی را بوسیله پول و بعضی را بوسیله وعده های باخود همراه مینمودند و در روز اخذ آراء مردم در لوحی اسم کاندید ها را نوشته و در صندوق می انداختند. حکام وقضات دارای علائم مخصوصی بودند و در مواقع عادی دارای شل حاشیه قرمز و در ایام عید شل تمام قرمز داشتند و در مواقع ضروری اختیارات نظامی داشتند و بهمین جهت چند نفر بنام اسکورت در جلو آنها حرکت میکرد *

پایان

متمنی است قبل از مطالعه غلط نامها را ملاحظه فرمائید

صفحه	رطر	ذات	صحیح
۲۴	۵	Forchendr	Forchamer
۱۴	۵	Wosac	Worsac
۳۷	۷	لور	لوور
۳۷	۱۲	آپیر	تغیر
۳۸	۹	بنه	بند
۴۰	۷	Man r	Mana
۴۱	۶	مالك امرقب	مالك الرقاب
۴۲	۱	وغون	فرعون
۶۱	۱۰	اداره	اراده
۷۷	۱۴	وبارها	آریائیها
۷۷	۱۷	منفورست	منظورست
۸۹	۲۲	کامیها	کاسیها
۸۷	۱۸	پیش	Piece پیس
۹۰	۱۸	اراله	ارابه
۹۲	۱۸	Pelos	Delos
۹۴	۱۸	لیف	دلف
۹۶	۱۸	Tals	Thales تالس
		Fythyorec	Fythagoree
۱۰۰	۱۶	جيك	جنك
۱۱۶	۱۶	ژورنال	ژورنال
۱۲۰	۴	دولت	اعضاء دولت
۱۱۹	۱۸	vst	Vesta